

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرمشهر

جزوه حقوق جزای اختصاصی ۳ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

(منطبق با قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)

مدرس: فیصل مزرعه

www.Endbook.net

تابستان ۱۳۹۲

جزوه درسی حقوق جزای اختصاصی ۳ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

مدرس: فیصل مزرعه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرمشهر

در تنظیم این جزوه و تدریس آن از کتابهای ۱- حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی دکتر حسین میرمحمدصادقی ۲ - بایسته های حقوق جزای اختصاصی دکتر ایرج گلدوزیان ۳- جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی مرحوم دکتر ضیاءالدین پیمانی ۴- حقوق کیفری اختصاصی دکتر هوشنگ شامبیاتی ۵- جزوه درسی حقوق جزای اختصاصی ۳ دکتر مرحوم امیرخان سپهوند ۶- دوره کارآموزی قضایی ۷- جزوه حقوق جزای اختصاصی ۳ دکتر عبدالعلی توجهی استفاده شده است. مطالعه کتابها و جزوات این اساتید محترم که دین بزرگی بر جامعه حقوقی کشور دارند توصیه میشود

مقدمه

موضوعات حقوق جزا

در تقسیم بندی موضوعات حقوق جزای اختصاصی، موضوع جزای اختصاصی یک جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص مانند قتل، سقط جنین و ضرب و جرح و جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص مانند افتراء توهین، نشر اکاذیب، تهدید، می باشد. موضوع جزای اختصاصی دو نیز اموال و مالکیت است یعنی جرایمی که علیه اموال و مالکیت اشخاص واقع می شود مانند کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت در این دودسته از جرایم متضرر اصلی از جرم، فرد یا افراد محدودی هستند هر چند که جامعه نیز از وقوع این جرایم متضرر میشود اما موضوع جزای اختصاصی سه امنیت کشور و آسایش عمومی است. مقصود از جرایم علیه امنیت آن دسته از جرایمی است که مخل امنیت داخلی و خارجی مملکت و یا مخل آسایش عمومی باشد در جرایم علیه امنیت اگرچه ممکن است اشخاص هم متضرر شوند اما ضرر و صدمه ناشی از این جرایم مستقیماً متوجه امنیت و مصالح عالی مملکت و استقلال کشور و آسایش

و آرامش عمومی است. ضررمستقیم جرایمی چون جاسوسی تهدید به بمب گذاری که از جرایم علیه امنیت است متوجه حاکمیت ملی و اصل نظام می باشند. همچنین جرایمی چون جعل و تزویر اسناد و ساختن سکه های تقلبی اعتماد مردم رانسبت به صحت نوشتجات اوراق بهادار و سکه و مانند آن سلب میکنند و همچنین جعل اسکناس بنیانهای اقتصادی مملکت را متزلزل میکند و از این طریق آسایش عمومی را مختل میکند.

اهمیت جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

جرایم علیه امنیت برای هرکشوری دارای اهمیت خاص می باشد چون با اصل نظام و پایه های حکومت مرتبط است و طبیعی است هر دولتی با هر جرمی که حاکمیت و پایه های آن را مختل کند برخورد شدیدتری میکند در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز همانند کشورهای دیگر در برخورد با اینگونه جرایم قانونگذار به شدت با این جرایم برخورد کرده و از برخی اصول پذیرفته شده در حقوق جزا عدول نموده است مهمترین این موارد عبارتند از :

۱- یکی از اصول حقوق جزا اصل سرزمینی بودن این قوانین است یعنی قوانین مملکت تنها در سرزمین مملکت قابل اعمال است قانونگذار ایران در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی را پذیرفته است اما قانونگذار در ماده ۵ این قانون از این اصل عدول نموده و ایرانیان و بیگانگانی را که در خارج از کشور مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی مملکت طبق قوانین ایران شوند قابل مجازات دانسته است.

۲- در قوانین جزایی صرف داشتن اندیشه مجرمانه جرم نمیشود با این وصف قانونگذار در ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی صرف اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی را جرم دانسته است.

۳- قوانین جزایی قصد مجرمانه و تهیه مقدمات برای ارتکاب جرم را جرم نمیداند اما در جرایم علیه

امنیت قانونگذار برخی از اعمال مقدماتی برای ارتکاب جرم علیه امنیت راجرم میداند مانند تشکیل یا اداره کردن یک جمعیت به قصد برهم زدن امنیت کشوریاتهییه اسلحه و مهمات و ریختن طرح براندازی حکومت اسلامی مطابق ماده ۱۸۷ق م ۱ به عنوان جرم محاربه شناخته شده است .

سختگیری قانونگذار تنها در این موارد خلاصه نمیشود در قوانین شکلی نیز قانونگذار ما رسیدگی به این جرایم رابه لحاظ اهمیت آن در صلاحیت دادگاه انقلاب قراردادده است ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳علاوه بر این در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸قانونگذار به قاضی اجازه داده است که در خصوص مرتکبین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی قرار بازداشت موقت صادر نماید ماده ۳۲ قانون مذکور که در مقام بیان موارد بازداشت موقت اختیاری است در بند ج. جرایم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی که مربوط به جرایم علیه امنیت کشور است را از جمله جرایمی دانسته که قاضی اختیار بازداشت موقت متهمین اینگونه جرایم را دارد.

نکته مهم اینکه این سختگیری تنها در قوانین ایران نیست و قوانین همه کشورهای دنیا برای حفظ نظام و کشور خود کم و بیش این سختگیری را دارند مثلاً در کشور انگلیس اگر اکره در جرم خیانت به کشور پذیرفته نیست یا مثلاً آمریکا کشتن یک عضو کنگره در خارج کشور را جرم علیه امنیت آن کشور دانسته و دادگاههای آمریکا را صالح به رسیدگی میدانند.

بررسی جرایم علیه امنیت کشور

محاربه و افساد فی الارض

تعریف محاربه

محاربه در تقسیم بندی جرایم از حدود است یعنی جرایمی که نوع و میزان آن در شرع مشخص شده است. منشاء و مبنای جرم انگاری محاربه و نیز تعیین مجازات آن آیه ۳۳ سوره مایده است که میفرماید: انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ارجلهم وایدیهم

من خلاف اوینفوا فی الارض "منظور از جنگ با خدا و رسول خدا این است که آنهایی که بامردم از درستیز برمیخیزند عمل آنها به معنای جنگیدن با خدا و پیامبرش است و این از اهمیت جرم است. تعریفی که قانونگذار از محاربه بعمل آورده است برگرفته از تعریف فقهی آن است. ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که عنصر قانونی محاربه را تشکیل میدهد در تعریف آن میگوید ((محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنهاست، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد....)). فقها در تعریف محاربه گفته اند "تجرید السلاح لآخافه الناس". یعنی دست بردن به اسلحه برای ترسانیدن مردم است. آیت الله خوئی در تعریف محاربه میگویند: من شهر السلاح لآخافه الناس. یعنی محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح برهنه نماید. امام خمینی ره میفرمایند: المحارب هو كل من جرد سلاحه او جهزه لآخافه الناس و اراده الافساد فی الارض فی برکان اوفی بحرفی مصر او غیره لیلا او نهار او لایشترط كونه من اهل الریبه مع تحقق ما ذكر ویستوی فیه الذکر و الانثی. یعنی محارب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم بیرون آورده یا خود را مجهز به آن نماید و قصد فساد در زمین را داشته باشد اعم از اینکه در خشکی باشد یا در آب در شهر باشد یا غیر آن در شب باشد یا روز و در تحقق آنچه که ذکر شد شرط نیست که مرتکب اهل ریه باشد (یعنی کسی که به دسته اشرار و یا افرادی که اشتهار به شقاوت و فساد دارند وابستگی داشته باشد) و همچنین در حکم آن مرد وزن یکسان هستند

رکن قانونی:

رکن قانونی محاربه در قانون مجازات اسلامی سابق مرکب از دو ماده ۱۸۳ و ۱۹۰ بود و در حال حاضر از ۲ ماده ۲۷۹ و ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی جدید تشکیل شده است. ماده ۲۷۹ در تعریف محاربه و ذکر برخی از شرایط آن است. ماده ۲۸۲ نیز مجازات محاربه را بیان کرده است.

قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید سوال قابل بحث این بود که آیا محارب و مفسد فی الارض دو عنوان و فعل مجزا هستند یا مترادف هم به کار رفته و یک عنوان جزایی دارند؟ نظر حقوقدانان

در این مورد متفاوت بود. بعضی از حقوقدانان این دورا دوتا سیس و عنوان مجزا از هم میدانند و معتقدند که افساد فی الارض تمامی گناهای را که دارای مفسده عمومی هستند مانند اشاعه فحشا و منکرات را شامل میشود و عنوانی جدای از محاربه است. اما عده ای دیگر از حقوقدانان عقیده دارند که در حالی که در آیه ۳۳ سوره مائده این دو مترادف هم آمده و جدای از هم نیستند بلکه دارای یک عنوان میباشند. ویسعون فی الرض فسادا تبیین محاربه است یعنی آنها با این کار فساد میکنند "اگر افساد فی الارض جرم جدیدی بود ضرورت داشت که در آیه ۳۳ الذین قبل از یسعون فسادا میآید. ماده ۱۸۳ ق.م.ا سابق هم همین نظر را پذیرفته است. در بررسی فقهی این جرم ماجرمی تحت عنوان مفسد فی الارض و یا محارب نداریم. و هر دو یک عنوان هستند. با این وصف در قوانین ایران مواردی وجود دارد که قانونگذار بعضی از اعمال را تحت عنوان مفسد فی الارض جرم شناخته است در اینگونه موارد قاضی در اعمال مجازات با مشکل مواجه میشود چرا که در قانون برای مفسد فی الارض مجازاتی تعیین نشده است و ماده ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی سابق مجازات محاربه و افساد فی الارض را بیان نموده است. مگر اینکه قائل به این باشیم که محاربه و افساد فی الارض دو جرم جدای از هم هستند که درست نمیباشد. بنابراین قانونگذار میبایست هر جا که جرمی را افساد فی الارض یا شخصی رابه عنوان مفسد فی الارض بداند، مجازات آن را نیز بیان کند. با توجه به این اختلاف نظرها قانونگذار در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی جدید به این اختلاف نظرها پایان داده است و مفسد فی الارض رابه عنوان تاسیس جدیدی پذیرفته و آن را تعریف کرده است. در این ماده آمده است که ((هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم میگردد)) چنانچه ملاحظه میکنیم قانونگذار افساد فی الارض را جدای از محاربه دانسته است مجازات آن نیز متفاوت میباشد. با این وصف در این تعریف مواردی

چون)) (به طور گسترده)) ((اخلال شدید در نظم عمومی کشور)) ((در حد وسیع)) که در ماده آمده مصداق مشخصی ندارد و معلوم نیست که کیفیت احراز آن به چه نحو است. که به نظر میرسد عدم مشخص کردن یک ضابطه خاص برای احراز آن موجب اختلاف نظرهایی خواهد شد.

مرتکب جرم محاربه هرکس میتواند باشد ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی سابقاً آوردن قید هرکس همه افراد دارای مسولیت کیفری را شامل میشود اعم از زن و مرد مسلمان و غیر مسلمان. البته برخی فقها گفتند که مرتکب باید مسلمان باشد چرا که در آیه ۳۴ سوره آمده است (الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم) ظاهر این آیه آن است که مراد از توبه، توبه از محاربه است نه توبه از شرک، و این خود قرینه‌ای است بر آنکه این محاربان از مسلمانان هستند و به مجرد اینکه قبل از پیروزی بر آنها، دست از محاربه بردارند و توبه کنند، سایر احکام مسلمانی در مورد آنان اجرا می‌شود. نه توبه از شرک - چنانچه در دیگر حدود الهی نیز این چنین است اما اگر محاربان از کافران باشند و جنگ با آنها به سبب کفرشان باشد، در صورتی عفو شامل حال آنها می‌شود که در حصن اسلام در آیند و صرف دست از جنگ کشیدن کافی نیست. بلکه اساساً تعبیر (توبه) که در آیه آمده است به خودی خود شاهد بر آن است که منظور آیه، محاربان مسلمان است نه کافر، چرا که توبه برای مسلمان است نه برای کافر، کافر ایمان می‌آورد و داخل حوزه اسلام می‌شود و برای این حالت، تعبیر توبه به کار نمی‌رود. "اما قول مشهور این است که محاربه شامل مسلمان و غیر مسلمان میشود چون ملاک جرم است نه مجرم" زمان و مکان ارتکاب جرم برای تحقق محاربه موثر نیست و ارتکاب جرم میتواند در روز یا شب و داخل یا خارج شهر باشد. در قانون جدید مجازات اسلامی هر چند قید هرکس حذف شده است. لکن این حذف به لحاظ بداهت موضوع است چرا که دست به اسلحه بردن و کشیدن سلاح تنها توسط انسان صورت می‌گیرد. بنابراین نیازی به قید هرکس در ماده نمی‌باشد.

رکن مادی محاربه

استفاده از سلاح :

رکن مادی محاربه دست به اسلحه بردن برای به قصد جان، مال و ناموس مردم یا ارباب آنان و ایجاد موجبات ناامنی است. استفاده از سلاح شرط اساسی و لازم برای تحقق محاربه است.

مفهوم اسلحه

مراد قانونگذار از به کاربردن لفظ اسلحه جمع سلاح نیست یعنی برای شمول عنوان محاربه لازم نیست که چندین قبضه اسلحه باشد بلکه دست بردن به یک سلاح نیز کافی است البته در قانون جدید قانونگذار در ماده ۲۷۹ از لفظ سلاح استفاده کرده است.. ممکن است چند نفر که یکی از آنها دارای اسلحه باشد با هجوم به مردم موجب ایجاد رعب و هراس و برهم زدن امنیت مردم شوند آیا همگی به اتهام شرکت در محاربه قابل تعقیب هستند؟ یا اینکه عنوان محاربه تنها بر حامل سلاح صدق دارد؟ به نظر میرسد که عبارت دست به اسلحه بردن و کشیدن سلاح دلالت بر این دارد که برای صدق عنوان محاربه دست بردن به سلاح لازم است. و محاربه تنها بر حامل سلاح صدق پیدا میکند.

فرقی در نوع اسلحه هم وجود ندارد. تبصره ۳ ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی سابق تفاوتی بین اسلحه سرد و گرم قائل نشده است. بنابراین سلاحهای گرم مانند تفنگ نارنجک کلت و سلاحهای سرد مانند شمشیر قمه و چاقو و هر چیزی که عرفاً به آن سلاح گفته شود را شامل میشود. اما اگر کسی با به کارگیری زور و قدرت بدنی و یا با استفاده از چوب یا آهن و مانند آن برای بردن مال دیگران به آنها حمله کند و موجب ایجاد ترس و وحشت شود و امنیت را برهم زند آیا میتوان عمل وی را محاربه دانست؟ قول اقوی و مشهور فقها این است که عمل چنین شخصی محاربه نیست و استفاده از سلاح سرد یا گرم شرط تحقق جرم است. هر چند که بعضی از فقها مانند علامه حلی و شهید ثانی و شیخ طوسی این عمل را محاربه میدانند. حال این سوال مطرح میشود که اگر کسی به قصد ارباب و سلب امنیت دست به اسلحه تقلبی

مشابه ببرد و موجب رعب و وحشت مردم شود آیا محارب است؟ در این خصوص دو نظر وجود دارد

۱-- آنچه در ماده ۱۸۳ق.م.ا اهمیت دارد ایجاد رعب و هراس و سلب امنیت و آزادی مردم است در این فرض اسلحه به کار رفته هر چند تقلبی است اما چون کسی غیر از مرتکب از این موضوع اطلاع نداشته و دست به اسلحه بردن موجب وحشت و هراس مردم گردیده بنابراین در این فرض محاربه مصداق پیدا میکند.

۲- نظر دوم که با قاعده الحدود تدرء بالشبهات همسازگاری دارد این است که مراد قانونگذار استفاده از اسلحه است و اسلحه تقلبی اسلحه به معنای مورد نظر قانونگذار نیست و اگر آن را اسلحه بدانیم نتیجه این امر تفسیر موسع قانون جزایی ماهوی است که چنین تفسیری در امور جزایی مردود است.

حال که دانستیم برای تحقق محاربه به کارگیری و استفاده از اسلحه لازم است این سوال مطرح میشود که منظور از سلاح چیست؟ آیا وسایلی مانند اسید و بنزین و گازهای سمی که کشنده هستند نیز سلاح تلقی میشوند؟ و استفاده از آنها با تحقق سایر شرایط موجب تحقق محاربه است؟

برای تشخیص سلاح باید به عرف رجوع کرد عرف در حقوق جزا فقط در تشخیص مصادیق است لذا برای تشخیص مصداق سلاح باید از عرف استفاده کرد قدر متیقن این است که سلاح آن وسیله ای است که به کاربرد آن موجب خوف و وحشت میشود و بالقوه چنین امکانی در آن وجود دارد البته قانون تشدید مجازات مرتکبین قاچاق اسلحه و مهمات مصادیق سلاح را مشخص کرده است انواع سرنیزه قابل نصب در تفنگ، انواع کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح و کاردهای مشابه آن، چاقو، شمشیر، قمه اما در مورد اسید و مواد شیمیایی و بنزین هر چند کشنده باشند اما چون عرفاً به آنها اسلحه گفته نمیشود، اسلحه تلقی نمیشوند"

عدم لزوم استفاده از سلاح " منظور قانونگذار از دست بردن به اسلحه استفاده عملی از آن و یابه عبارتی تیراندازی با سلاح گرم یا استفاده از شمشیر یا چاقو و کشتن یا مجروح کردن شخصی نیست چون مهم ایجاد اخافه و ترس است بنابراین صرف کشیدن سلاح و ظاهر کردن آن البته به قصد ارعاب و سلب امنیت و آزادی مردم کافی است. اما صرف همراه داشتن سلاح بدون تظاهرها استفاده از آن موجب تحقق محاربه نمی شود. مثلا اسلحه را زیر لباس مخفی کنیا آن را در ماشین نگه دارد

عمومیت در جرم

"استفاده از کلمه مردم در ماده ۱۸۳ ق.م.ا سابق و ماده ۲۷۹ قانون جدید دلالت بر این دارد که برای صدق عنوان محاربه و افساد فی الارض باید نوعی عمومیت در جرم وجود داشته باشد به عبارتی دیگر دست بردن به اسلحه برای ایجاد رعب عمومی باشد و اگر کسی به خاطر دشمنی و عداوت بایک یا چند شخص خاص دست به اسلحه ببرد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد حتی اگر در اثر تیراندازی موجب قتل یک یا چند نفر شود، محارب نیست. ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی جدید و تبصره ۲ ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی سابق به این موضوع اشاره نموده است. در ماده ۲۷۹ آمده است که ((هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد..... محارب محسوب نمیشد))

ایجاد خوف و هراس

"از شرایط لازم برای تحقق محاربه این است که در اثر فعل مرتکب در مردم ایجاد خوف و هراس شود بنابراین چنانچه به خاطر ناتوانی جسمی یا روحی مرتکب، هیچکس نترسد محاربه مصداق پیدا نمی کند. تبصره ۱ ماده ۱۸۳ ق.م.ا مقرر میدارد که اگر کسی بروی مردم سلاح بکشد اما در اثر ناتوانی عمل وی موجب ترس هیچ فردی نشود عمل او محاربه نیست. همین موضوع در قسمت اخیر ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی جدید تکرار شده است. بنابراین شرط تحقق محاربه ترس یک یا چند نفر در اثر فعل مرتکب است. پس فعل محارب یعنی تجرید اسلحه باید به گونه ای باشد که نوعا موجب ترس و هراس

مردم حتی یک نفر گردد به همین لحاظ بعضی از حقوقدانان عقیده دارند که با جمع ماده ۱۸۳ و تبصره آن و ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی جدید میتوان نتیجه گرفت که محاربه از جرایم مقیداست و تحقق آن منوط به ایجاد ترس و هراس و سلب امنیت و آزادی مردم است. فرقی نمیکند که عمل مرتکب به نحوی باشد که واقعاً موجب ترس شود یا اینکه در اثر شخصیت مجنی علیه مثلاً کودکی یا ترسو بودن او موجب ترس شود در هر دو حال عمل محاربه است. اما چگونه میتوان به این شرط دست یافت و ترس و هراس را چگونه میتوان احراز نمود؟ احراز ترس افراد مقدور نیست و ضابطه و ملاکی برای احراز مساله وجود ندارد "خیلی افراد علیرغم ترسیدن و انمود میکنند که اصلاً ترسیدند" به نظر میرسد که برای تشخیص حالت ترس قاضی دادگاه باید یک فرد معمولی را ملاک قرار دهد و بررسی میکند که آیا یک فرد عادی در آن وضعیت دچار ترس میشود یا خیر؟

اگر پاسخ مثبت باشد شرط ایجاد رعب و وحشت محرز است در غیر این صورت محرز نیست"

سلب آزادی

منظور از سلب آزادی چیست؟ میدانیم که آزادی انواع مختلفی دارد آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی سیاسی و مدنی، منظور از سلب آزادی در جرم محاربه سلب آزادی رفت و آمد و کسب و کار است. "هر چند که در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی جدید این قید نیامده است.

عنصر معنوی جرم

"از نظر عنصر معنوی دست به اسلحه بردن که عنصر مادی جرم را تشکیل میدهد باید عمدی و آگاهانه باشد" بنابراین اگر کسی در حال خواب یا بیهوشی یا مستی یا اجبار و اکراه دست به اسلحه برد به لحاظ فقدان قصد عام جرم محقق نشده است علاوه بر آن سوءنیت خاص نیز باید وجود داشته باشد به این معنا که کشیدن اسلحه به صورت عمدی باید به قصد ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت و آزادی

مردم باشد. قصد اخافه و ترسانیدن مردم میتواند به طور مستقیم باشد یعنی مرتکب با این قصد عنصر مادی جرم را مرتکب شود (قصد مستقیم) و میتواند به طور تبعی باشد به این معنا که مرتکب قصد اخافه نداشته باشد اما فعل و عمل وی به نحوی باشد که به چنین نتیجه ای منتهی شود

نکته مهم و آخر اینکه قانونگذار ما در ماده ۱۸۳ ق.م.ا.ا. اگرچه در مقام تعریف محاربه برآمده است اما به واقع مصداقی از مصداقی محاربه را بیان نموده نه تعریف محاربه، چراکه در همان قانون و یا قوانین خاص دیگر برخی از جرایم رابه عنوان محاربه یا در حکم محاربه شناخته است که ارتباطی به دست بردن به اسلحه که در ماده ۱۸۳ به عنوان رکن مادی محاربه است ندارد. مثلاً مواد ۱ و ۲ قانون اخلا لگران در نظام اقتصادی یا در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جرایمی مانند دادن اسرار کشور به دشمن یا بیگانه، برنامه ریزی یا تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران. و جرایمی از این قبیل را محاربه دانسته در حالی که در هیچ یک دست بردن به سلاح وجود ندارد. این گونه جرایم را میتوان به عنوان جرایم در حکم محاربه دانست.

قانونگذار در این قبیل جرایم به قصد مرتکب از انجام فعل مجرمانه و یا به آثار ناشی از فعل او در ضربه زدن به نظام توجه داشته است هرگاه مرتکب با این قصد و هدف مرتکب جرم شود و موجب ضربه زدن به نظام شود هر چند از اسلحه استفاده نکرده باشد محارب است. در قانون مجازات اسلامی جدید چنانچه گفته شد قانونگذار افساد فی الارض را تعریف نمود. بنابراین میتوان اینگونه جرایم که دست به اسلحه بردن در آنها وجود ندارد را افساد فی الارض دانست.

دست به اسلحه بردن هرگاه به منظور مبارزه با محاربان و یا از بین بردن فساد در روی زمین باشد محاربه نیست. ماده ۱۸۴ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۲۸۰ قانون مجازات اسلامی جدید به این موضوع اشاره نموده است. در ماده ۲۸۰ آمده است که ((فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان، دست به اسلحه ببرد محارب نیست))

جرایم در حکم محاربه"

۱- سارق مسلح و قطاع الطريق"

ماده ۱۸۵ق.م.ا سابق میگوید: «سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را بهم بزند و رعب و وحشت ایجاد کنند محارب است» سارق مسلح کسی است که با اسلحه اعم از سرد و گرم اقدام به سرقت کند، و قطاع الطريق سارقینی هستند که معمولاً بانوعی کمین در طرق و راهها و بستن راهها بر مسافرین به اموال آنها دست برد میزنند. در قانون مجازات اسلامی جدید ماده ۲۸۱ با افزودن قاچاقچیان به سارقین مسلح میگوید ((راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راهها شوند محاربند))

جهت تحقق این جرم لازم نیست سرقتی صورت گیرد بلکه هدف قانونگذار مجازات کسانی است که با ارتکاب سرقت مسلحانه و یا شروع به آن در شهرها و جاده ها، امنیت مردم و یا جاده ها را سلب کنند و موجب رعب و وحشت شوند. به همین لحاظ قانونگذار وقوع سرقت جهت تحقق بزه موضوع این ماده را شرط ندانسته است بلکه صرف اقدام به سرقت و ایجاد رعب و وحشت و برهم زدن امنیت برای تحقق بزه مورد حکم ماده کافی است. شرط تحقق بزه این است که سارق و راهزن مسلح باشد و اسلحه هم ظاهر باشد. سلاح اعم از سلاح سرد یا گرم است. ولی در هر حال باید واقعی باشد.

شرط دیگر این است که اقدام مرتکب باید موجب رعب و وحشت شود.

سوال نکته مهم در این شرط این است که منظور از ایجاد رعب و وحشت چیست؟ آیا منظور رعب و وحشت مجنی علیهم میباشد یا اینکه در سایر اقشار جامعه ترس به وجود آید؟

رکن مادی بزه

برهم زدن امنیت جاده یا مردم و ایجاد رعب و وحشت عنصر مادی بزه را تشکیل می‌دهد ملاک تشخیص وقوع جرم عرف و اوضاع و احوال قضیه است و تشخیص اینکه امنیت جاده یا مردم مختل شده است یا خیر با دادگاه است. نکته مهم این است که لازم نیست هدف و قصد مرتکب برهم زدن امنیت یا ایجاد خوف و هراس باشد و کافی است که در اثر فعل مرتکب چنین کیفیتی ایجاد شود. مشابه چنین مقرراتی در ماده ۶۵۳ ق.م.ا نیز وجود دارد با این تفاوت که اولاً: در ماده ۱۸۵ دست بردن به سلاح ضروری است یعنی سارق و راهزن باید مسلح باشند اما در ماده ۶۵۳ دست به اسلحه بردن ضرورتی ندارد. ثانیاً: مکان ارتکاب جرم در ماده ۶۵۳ جاده ها و شوارع است اما مکان ارتکاب جرم ماده ۱۸۵ در همه جاها اعم از راهها یا جاده ها و یا سایر جاها مثل ورزشگاه ها یا پارکها و.. است ثالثاً: در جرم موضوع ماده ۶۵۳ وقوع سرقت ضروری است اما در جرم ماده ۱۸۵ نیازی به تحقق سرقت نیست و کافی است که امنیت جاده یا مردم مختل شود.

۲- قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی

بغی یا قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی از مصادیق بارز محاربه است. در این بزه یک گروه و یا جمعیت متشکله ای در مقابل حکومت اسلامی قیام مسلحانه مینمایند مانند گروهک منافقین یا گروه ریگی. قانونگذار این نوع اعمال را جرم و مرتکب را محارب و مفسد فی الارض شناخته است. تفاوت محاربه و بغی در این است که

اولاً: محاربه میتواند به صورت فردی واقع شود و ممکن است به صورت گروهی صورت گیرد اما احراز بغی به صورت فردی ممکن نیست چراکه بغی عبارت است از خروج یک گروه باغی در مقابل امام و حکومت اسلامی است

ثانیاً- در محاربه محارب ممکن است کافری یا مسلمان باشد اما در بغی، باغی حتماً باید مسلمان باشد

ثالثاً- در محاربه، محارب در مقابل مردم می ایستد و با اسلحه موجب سلب امنیت و آسایش مردم میشود اما در بغی، باغی در مقابل امام و حکومت اسلامی طغیان میکند

عنصر قانونی این جرم ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی است که میگوید "هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را میدانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند محاربند اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند. در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون گذار به صراحت از عنوان بغی استفاده و آن را جرم انگاری نموده است. در ماده ۲۸۷ این قانون آمده است ((گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب میشود و در صورت استفاده از سلاح اعضاء آن به مجازات اعدام محکوم میگردد)) و در ماده ۲۸۸ نیز آمده است که ((هرگاه اعضاء گروه باغی، قبل از درگیری و استفاده از سلاح، دستگیر شوند، چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه سه و در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم میشوند))

عنصر مادی جرم "

اقدام یا قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی ایران عنصر مادی جرم را تشکیل میدهد هر چند که در ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی از حکومت اسلامی اسم برده شده است اما مراد، جمهوری اسلامی ایران است نه هر حکومت اسلامی دیگر. قانون گذار در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی جدید از قیام مسلحانه برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران نام برده است. منظور از قیام مسلحانه انجام عملیات ضربتی و به اصطلاح چریکی و مقابله با حکومت مرکزی است برای تحقق جرم موضوع این ماده باید گروه و یا جمعیتی که حداقل اعضاء آن از ۳ نفر تشکیل شده و وجود داشته باشد. گروه یا جمعیت باید متشکل و دارای سازمان و تشکیلات و مرامنامه معین باشد. مرتکب جرم نیز با توجه به صراحت مواد ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی جدید و با جمع مادتین مذکور میتواند هر یک از اعضاء

وهوادران آن گروه یا جمعیت متشکل است. به شرطی که "

اولاً: گروه یا جمعیت به صورت متمرکز و سازمان یافته عمل کند و باید دارای چنان تشکیلاتی باشد که بتوان نام گروه یا جمعیت متشکل و متمرکز به آن داد.

ثانیاً: اعضاء و هوادران از موضع گروه و یا جمعیت در قیام مسلحانه علیه حکومت اطلاع داشته باشند.

ثالثاً: یکی دیگر از شرایط اعضاء و هوادران این است که در پیشبرد اهداف آن گروه یا جمعیت فعالیت و تلاش موثر داشته باشند ایرادی که در ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی وجود داشت. این بود که نوع و میزان فعالیت و تلاش موثر مشخص نبود و ملاک و مبنایی برای تشخیص و تعیین فعالیت و تلاش موثر از غیر موثر وجود ندارد. با این وصف احراز اینکه فعالیت و تلاش اعضاء و هوادران در پیشبرد اهداف گروه یا جمعیت موثر بوده یا خیر با دادگاه بود. همین شرط برای تحقق جرم کافی است و نیازی نیست که اعضاء و هوادران در شاخه نظامی فعالیت داشته باشند. بلکه هرگونه فعالیت و روابط سیاسی و مالی و تبلیغاتی موجب شمول ماده نسبت به عضو یا هوادار خواهد بود.

رابعاً: شرط دیگر این است که عضو گروه یا جمعیت شدن و هواداری از آنان در صورتی جرم است که مرکزیت آن گروه یا جمعیت باقی باشد بنابراین اگر کسی بعد از متلاشی شدن گروه یا جمعیتی کسی عضو یا هوادار آن شود از شمول ماده خارج است.

نکته قابل ذکر این است که قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی از جرایم مطلق است و نیازی به تحقق نتیجه ندارد صرف قیام مسلحانه برای تحقق عنوان محاربه کافی است. استفاده از اسلحه برای تحقق جرم شرط است و اگر قیام صرفاً با تظاهرات و شعار دادن باشد از شمول ماده ۱۸۶ خارج است، در اینجا اسلحه بطور مطلق آمده و شامل اسلحه سرد و گرم میشود "

ریختن طرح براندازی حکومت اسلامی"

عنصرقانونی

عنصرقانونی این جرم ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی سابق است. که آمده است "هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی موثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی الارض می باشند"

عنصرمادی

عنصرمادی این جرم از دو قسمت تشکیل شده است.

قسمت اول "ریختن طرح براندازی حکومت اسلامی و تهیه اسلحه و مهمات برای این منظور: در این قسمت قانونگذار صرف ریختن طرح جهت براندازی حکومت اسلامی را برای تحقق جرم کافی میداند و ضرورتی در اجرای آن نیست. بعبارتی همین مقدار که فرد یا گروهی با قصد طرح براندازی حکومت اسلامی، اسلحه و مهمات تهیه نمایند کافی است و نیازی نیست که دست به عملی بزنند. البته طرح ریخته شده باید به نحوی باشد که احتمال اجرای آن وجود داشته باشد. این ماده در خصوص طرحهای براندازی غیرمسلحانه مصداق ندارد و تنها شامل طرحهای مسلحانه است. تهیه اسلحه و مهمات و داشتن طرح و نقشه برای براندازی حکومت اسلامی لازم و ملزوم همدیگر هستند. صرف تهیه اسلحه بدون داشتن طرح براندازی و یادداشتن طرح براندازی بدون تهیه اسلحه برای تحقق جرم کفایت نمی کند. سلاح نیز باید سلاح گرم باشد و شامل اسلحه سرد نمی شود. علاوه بر آن، موضوع جرم این ماده براندازی حکومت اسلامی ایران است یعنی براندازی رژیم سیاسی حاکم است بنابراین اگر کسی طرح براندازی دولت و یا تغییر آن را بریزد مشمول ماده نخواهد شد.

قسمت دوم ماده در خصوص کسانی است که با علم و اطلاع از مقصود فرد یا گروه جهت طرح براندازی حکومت اسلامی امکانات مالی موثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنان قرار دهد در واقع عمل چنین اشخاصی را می توان بعنوان معاونت در جرم دانست لکن قانونگذار آن را بعنوان جرم مستقل آورده است. شرط تحقق بزه در این قسمت این است که مرتکب از منظور و مقصود فرد یا گروه برای براندازی حکومت اسلامی اطلاع و آگاهی داشته و وسایل و امکانات مالی را با اختیار و نه از روی اکراه و اجبار در اختیار مجرمین قرار داده باشد. امکانات مالی و وسایل و اسباب کار و سلاح جنبه تمثیلی دارند و در اختیار گذاشتن هر نوع اسباب و وسایل اجرای کار را شامل میشود.

نامزدی موثر در طرح کودتا " عنصر قانونی این جرم ماده ۱۸۸ ق.م.ا است.

در این جرم قانونگذار، شخصی که خود را برای یکی از پستهای حساس کودتا نامزد نماید و نامزدی او در تحقق کودتا موثر باشد محارب و مفسد فی الارض شناخته است. برای تحقق این جرم شرایطی لازم است

اولاً: پستی که مورد نظر باشد باید از پستهای حساس باشد مثلاً ریاست جمهوری یا وزارت.

ثانیاً: نامزدی این پست باید در تحقق کودتا موثر باشد مانند محبوبیت نامزد پست حساس کودتا در بین مردم. احراز این موضوع که نامزدی شخص در کودتا موثر است یا خیر در هر حال با دادگاه است.

طرق اثبات محاربه"

طرق اثبات محاربه در ماده ۱۸۹ قانون مجازات اسلامی سابق آمده بود. طرق اثبات عبارت بودند از: یک بار اقرار و شهادت دو ۲ مرد عادل "شهادت زنان به تنهایی یا در معیت مرد کافی نیست" علاوه بر این دو راه قاضی میتواند با استناد به ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی به علم خودش نیز رای دهد. در قانون مجازات اسلامی جدید هر چند که دلایل اثبات جرم به طور جداگانه در بخش پنجم کتاب اول آمده است لکن با بررسی مواد ۱۹۹، ۱۷۲، ۱۶۰ مشاهده خواهیم کرد که دلایل اثبات جرم محاربه محدود به

همان موارد مذکور در قانون سابق است و تغییری در آن ایجاد نشده است.

مجازات محاربه و افساد فی الارض"

مجازات محاربه و افساد فی الارض در ماده ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی جدید آمده است. بر اساس ماده ۱۹۰ ق.م.ا سابق ((حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است.

الف-قتل ب-آویختن به دار پ--اول قطع دست راست و سپس پای چپ ت-نفی بلد))

سوال این است که قاضی در انتخاب هریک از این مجازات مختار است و یا اینکه به ترتیب باید مجازات تعیین نماید؟. برخی از فقها مانند حضرت امام در تحریر الوسیله، علامه حلی و محقق حلی در شرایع الاسلام عقیده دارند که قاضی مختار است که هر یک از این انواع مجازات را که متناسب بداند مورد حکم قرار دهد. اما در مقابل دسته دیگری از فقها چون شهید اول و شیخ طوسی در کتاب مبسوط و آیت الله خویی عقیده دارند که قاضی باید نسبت به جنایت واقع شده از سوی محارب تعیین مجازات نماید. شیخ طوسی میگوید: اگر محارب کسی را بکشد کشته میشود و اگر کسی را بکشد و مال اخذ کند کشته میشود و سپس به دار آویخته میشود و اگر فقط مال اخذ کند و کسی را نکشد دست و پای او بلعکس قطع میشود و اگر فقط مردم بترسند تبعید میشود... ملاحظه میشود که در بین فقها اتفاق نظری وجود ندارد و هر کدام برای توجیه نظر خود استدلالاتی مینمایند. قانونگذار ایران به تبعیت از آن دسته فقهای که قایل به تخیر هستند در ماده ۱۹۱ ق.م.ا. و ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی جدید قاضی در تعیین هر یک از مجازاتها مختار است. و به موجب ماده اخیر الذکر ((انتخاب هریک از این امور گانه مذکور در ماده ۲۸۲ به اختیار قاضی است)). خواه محارب کسی را کشته یا مجروح کرده یا مال او را گرفته و خواه هیچ یک از این کارها را انجام نداده باشد.

مطابق ماده ۱۹۳ ق.م.ا. و ماده ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی جدید محاربه که تبعید شده از هرگونه معاشرت و مراوده ممنوع شده است و باید تحت مراقبت قرار گیرد. مدت تبعید نیز بنا به تصریح ماده ۲۸۴ قانون اخیر الذکر نباید کمتر از یک سال باشد اگرچه بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که

توبه نکند همچنان در تبعید باقی می ماند.

در مورد نحوه مصلوب نمودن محارب نیز ماده ۱۹۵ ق.م.ا چگونگی آن را بیان نموده است.

در مورد بریدن دست و پا نیز ماده ۱۹۶ ق.م.ا نحوه اجرای آن را مانند سرقت دانسته است.

جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در قانون تعزیرات"

۱- تشکیل یا اداره دستجات غیرقانونی:

عنصر قانونی این جرم " ماده ۴۹۸ ق.م.ا است. مطابق این ماده هرگاه کسی دسته و یا جمعیت یا شعبه جمعیتی را در ایران و یا خارج از کشور تشکیل دهد یا اداره نماید و هدفش برهم زدن امنیت کشور باشد با هر مرام و عقیده ای که باشد مجرم و اگر محارب شناخته نشود مجازات حبس از ۲ تا ۱۰ سال خواهد داشت. مانند گروهکهای معاند انقلاب که با تشکیلات خود در خارج از کشور هدفشان برهم زدن امنیت کشور است. در ماده ۱۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح شبیه مقررات ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی آمده است این ماده در خصوص نظامیان است انگیزه و مقصود مرتکب از تشکیل یا اداره کردن جمعیت تغییر نظام حکومتی و براندازی نظام است و از این لحاظ با ماده ۴۹۸ متفاوت است چرا که هدف مرتکب در ماده ۴۹۸ برهم زدن امنیت کشور است که با هدف براندازی نظام متفاوت است ممکن است کسی با اعتقاد به اصل نظام هدفش برهم زدن امنیت به منظور تضعیف دولت است نه تغییر نظام.

موارد قابل بحث در این ماده به شرح ذیل است:

اولاً: مرتکب جرم میتواند هرکس باشد اعم از زن و مرد، ایرانی و خارجی، نظامی و غیرنظامی... بنابراین هرکس با هر سمت، عنوان، شغل را شامل میشود.

ثانیاً: با توجه به عبارت پیش از دو نفر در ماده ۹۸ ق.م.ا حداقل اعضا گروه یا دسته یا جمعیت ۳ نفر است. ثالثاً: مرام فرد اداره کننده یا تشکیل دهنده گروه یا جمعیت موثر در مقام نمایا باشد. قانونگذار تحقق این جرم را مقید به شرایطی نکرده است و مهم نیست که دسته یا جمعیت چه مرام و مسلکی دارند "منظور از مرام، مسلک و عقیده و و بنیاد فکری است". مرام خط مشی و روشی است که یک جمعیت برای رسیدن به هدفی آن را دنبال میکنند و با هدف متفاوت است. هدف مرتکب باید برهم زدن امنیت کشور باشد.

رابعاً: قید خارج از کشور اصل سرزمینی را توسعه داده است و قانونگذار اصل صلاحیت واقعی قوانین کیفری را مورد نظر قرار داده است.

عنصر مادی:

عنصر مادی جرم به دو صورت است

۱- تشکیل دادن ۲- اداره کردن گروه یا دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیت است. تشکیل دادن یا تاسیس به معنای به وجود آوردن است. مانند اختصاص ساختمان و سایل نقلیه و سایر تشکیلات است. بنابراین تشکیل مستلزم اقداماتی چون جا و مکان، دفتر، اسناد و مدارکی است که با فراهم شدن آنها میتوان گفت یک دسته و جمعیتی تشکیل شده است مانند: تشکیل یک شرکت اداره کردن به معنای مدیریت است و شامل اقداماتی میشود که به منظور اداره دسته یا جمعیت انجام میشود. ممکن است دسته یا جمعیتی تشکیل شده باشد و برای اداره کردن آن موسس کسی را که در تاسیس دخالتی نداشته باشد به عنوان مدیر انتخاب نماید. قانونگذار در این ماده به دو جرم اشاره کرده است تشکیل دادن و اداره کردن

این دو عنوان جزایی باهم متفاوت هستند لکن مستند قانونی آنتهایکی است. حال اگر کسی جمعیتی را تشکیل دهد و خود او آنرا اداره نماید بعضی حقوقدانان معتقدند که مرتکب دو جرم مشمول قواعد تعدد مادی است اما بعضی دیگر عقیده دارند که چنین شخصی مرتکب جرایم متعدد از یک نوع شده است و براساس قواعد تعدد مادی جرایم مشابه تنهایک مجازات درمورد او اعمال میشود ولی تعدد میتواند از موارد تشدید مجازات باشد

عضویت در دسته جات

عضویت در یکی از دسته جات ماده ۴۹۸ ق.م.ا^۱ منظور از عضویت این است که کسی به صورت رسمی در یکی از دسته جات موضوع ماده ۴۹۸ عضویت داشته باشد همفکری ساده و یا حمایت از این دسته جات به معنای عضویت در آن نیست. از نظر عنصر مادی چون قانون ترتیب خاصی معین نکرده تشخیص عضویت به عهده قاضی است. مثلا عضویت با ثبت نام در دفاتر یا با صدور کارت یا هر ترتیبی که نشانگر وابستگی و عضویت شخص در دسته یا جمعیت باشد محقق شود. از شرایط تحقق جرم این است که عضو، از اهداف جمعیت آگاهی داشته باشد. صرف عضویت بدون اطلاع از اهداف دستجات برای احراز جرم کافی نیست. قانونگذار در ماده ۴۹۹ ق.م.ا^۱ اصل را بر اطلاع عضو از اهداف جمعیت دانسته است و گفته است که: مگر ثابت شود که از اهداف آن بی اطلاع بوده است.

تبلیغ علیه نظام

تبلیغ علیه نظام^۲ ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی عنصر قانونی این جرم را تشکیل میدهد. منظور از نظام همان حکومت یا رژیم سیاسی است. منظور از تبلیغ علیه نظام نفی کلیت نظام یا ارکان ضروری آن است. ارکان نظام جمهوری اسلامی جمهوریت و اسلامیت نظام است تبلیغ علیه مقامات عالیه کشوری مانند رئیس جمهوری یا ریس مجلس و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر اشخاص هر چند دارای مقامات عالی باشند موضوع ماده نمیشود مگر اینکه تبلیغ علیه آن اشخاص برابر با تبلیغ علیه نظام و تضعیف آن باشد. انتقاد از ادارات دولتی شامل این ماده نمیشود.

تبلیغ به نفع گروهها وسایر سازمانها که مخالف نظام باشند مشمول حکم ماده میباشد. قانونگذار نوع فعالیت تبلیغی که عنصر مادی جرم راتشکیل میدهد مشخص نکرده است لکن باتوجه به عبارت به هرنحو "هرنوع تبلیغی اعم ازانتشار مقاله یاسخترانی و یاساختن فیلم یا انجام تظاهرات ویا انجام مصاحبه علیه نظام یا ضبط صدا وتوزیع نوار راشامل میشود.

جاسوسی علیه دولت ایران"

جاسوس از نظر لغوی یعنی جستجوکننده خبر وکسی که اخبار واسرار شخصی ویا اداری مملکتی رابه دست بیاورد وبه دیگری اطلاع دهد قوانین اکثرکشورها این جرم راتعریف نکرده اند وتنها مصدق آن را بیان نمودند لکن درکنفرانسها وقطعنامه های بین المللی مربوط به حقوق جزا جاسوسی تعریف شده است که به دو نمونه آن اکتفاء میکنیم درقطعنامه بروکسل درسال ۱۸۷۴که درزمینه حقوق جزاتشکیل شد جاسوس چنین تعریف شده است ((جاسوس کسی است که بطورمخفیانه و با وسایل وبهانه های مجعول اطلاعات راجمع آوری و یاتجسس برای تحصیل اطلاعات درنقاط اشغال شده بوسیله نیروی دشمن باقصد این که آنها را به طرف مقابل تسلیم نماید، میکند)) درماده ۲۹آیین نامه ضمیمه قرارداد لاهه سال ۱۹۰۷ جاسوس به کسی گفته میشود که به طورمخفیانه و یا بابهانه های مجعول به نفع یکی از متخاصمین درصدد تحصیل اطلاعات یاجمع آوری اشیایی برآید))

قانونگذارماجاسوسی راتعریف نکرده است پس چگونه میتوان یک عملی رابه عنوان جاسوسی محسوب نمود؟ دوترتیب وجود دارد

۱- اول اینکه به موادقانونی راجع به جاسوسی باید رجوع کنیم در بعضی قوانین جاسوسی مفروض است وعمل مرتکب به حکم قانون جاسوسی تلقی میشود مثلاً درماده ۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اصلاحی سال ۸۲ برشمردن برخی اعمال گفته شده است که افرادذیل جاسوس شناخته شده وبه مجازات ذیل محکوم میشوند

در اینجا آنچه مهم است تشخیص صحت انتساب اقدامات برشمرده توسط قانون، به متهم است "اگر صحت اقدامی که قانونگذار آن را جاسوسی فرض کرده به شخص منتسب و اثبات شود، برای تحقق جاسوسی کافی است.

۲- ترتیب دیگر موردی است که ضابطه جاسوسی معلوم نیست و جاسوسی به حکم قانون مفروض نیست حال چگونه قاضی تشخیص میدهد که عمل مرتکب جاسوسی است یا خیر؟ برای تشخیص جاسوسی در چنین موردی خصایصی را برای جاسوسی برشمرده اند

۱- یکی از خصوصیات قصد جاسوسی است یعنی اقدامات شخص جهت تهیه و جمع آوری اطلاعات و تسلیم به افراد فاقد صلاحیت اعم از موسسه یا کشور یا هر شخص دیگر به قصد جاسوسی باشد و قصد جاسوسی ضابطه جاسوس بودن و جاسوسی است "هرگاه قاضی قصد جاسوسی را احراز کند جرم محقق شده است"

۲- مواضعه و تبانی "اگر قصد جاسوسی محرز نشد اما بین مرتکب و شخص یا موسسه یا دولت دیگر جهت جمع آوری و تسلیم اسناد یا اسرار مواضعه و توافق قبلی شده باشد و این امر احراز شود جاسوسی محقق میشود" مثلاً اسنادی پیدا میشود که یک دولت اجنبی با مرتکب توافق کرده که فلان اسناد سری دولتی را از سفارتخانه سرقت کرده و به آنها بدهد همین امر برای احراز جاسوسی کفایت میکند"

۳- ماموریت خاص "مثلاً اگر کسی نقشه کلیه پلهای موجود در ایران را جمع آوری کند و نیز در مورد اهمیت این پلهای از لحاظ نظامی و اقتصادی اطلاعاتی تهیه کند یا نقشه های فرودگاهها را تهیه کند" صرف این تهیه و جمع آوری جرم نیست چرا که ممکن است جنبه تحقیقاتی داشته باشد اما اگر این اقدامات در چارچوب یک ماموریت خاص صورت بگیرد جرم جاسوسی محقق میشود مثلاً کشور اسرائیل به یک شهروند ایرانی ماموریت دهد که این نقشه ها را تهیه کند

۴- دریافت اجرت و پاداش " اگر کسی اطلاعات محرمانه ای را جمع آوری کند و معلوم شود که جمع آوری این اطلاعات جهت تسلیم یا مطلع کردن افراد فاقد صلاحیت در قبال دریافت پول و پاداش است فرض بر این است که عمل جاسوسی است هرگاه تهیه اطلاعات در قبال پرداخت اجرت و پاداش باشد حتی اگر دلیلی جهت احراز سه ضابطه دیگر وجود نداشته باشد جاسوسی است

نکته قابل ذکر این است که لازم نیست این ۴ خصیصه همراه هم در یک موردی وجود داشته باشند بلکه وجود یک مورد برای تحقق جاسوسی کافی است "ممکن است همه این موارد در پرونده ای جمع باشد مثلاً معلوم شود که شخص به قصد جاسوسی اطلاعاتی را جمع آوری کرده باشد در قبال این اطلاعات پاداش و اجرت گرفته باشد و قبل از جمع آوری با دولت یا شخص یا موسسه ای تباری و مواضعه نموده و ماموریت خاص هم برای این امر داشته است اما ممکن است فقط یکی از این خصیصه ها وجود داشته باشد از لحاظ جاسوسی وجود یکی کافی است مثلاً کسی را دستگیر میکنند به این دلیل که تحقیقاتی را در مورد فرودگاه های کشور انجام و اطلاعاتی را جمع آوری کرده است وی منکر قصد جاسوسی میشود و ادعاء میکند که قصد تحقیقات را داشته است دلیلی هم وجود ندارد که قصد جاسوسی داشته است در جریان تحقیقات مدرکی کشف میشود که حکایت از این دارد، فرد از طرف یک دولت ماموریت داشته است که از کلیه فرودگاههای کشور اطلاعات جمع آوری نماید، این در اجرای ماموریت بودن از ضوابط جاسوس است و این فرد جاسوس شناخته میشود اما اگر قصد جاسوسی احراز شود بی نیاز از احراز ضوابط و ویژگیهای دیگر هستیم.

قصد جاسوسی یک امر غیرمادی است که اثبات آن دشوار است اما داشتن ماموریت یا دریافت اجرت و پاداش امر مادی و ملموس است مثلاً واریز مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به حساب مرتکب از سوی یک سازمان جاسوسی " این یک مدرک مادی و غیرقابل انکار است این چهار مورد ضوابطی است که برای جرم جاسوسی پذیرفته شده است و در رویه قضایی کشورها به آنها توجه میشود

عنصر قانونی

در قوانین ایران نیز تعریفی از جاسوس و جاسوسی بعمل نیامده است بلکه مصادیق آن ذکر شده است اولین ماده مرتبط با جاسوسی ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی است که تحت عنوان مطلع کردن افراد فاقد صلاحیت از اسرار آمده است. بموجب این ماده هرگاه شخصی اعم از ایرانی یا خارجی مرد یا زن نقشه ها یا اسرار و یا اسناد و تصمیمات مربوط به سیاست داخلی یا خارجی را با علم و از روی عمد در اختیار افرادی قرار دهد که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند یا افراد فاقد صلاحیت را از مفاد آن مطلع نماید و عمل وی متضمن نوعی جاسوسی باشد مجرم و قابل تعقیب است"

عنصر مادی جرم:

رفتار مجرمانه در جرم جاسوسی موضوع ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی دو مصداق ترکیبی است " ۱- جمع آوری نقشه ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی و خارجی کشور و تسلیم آن به افراد فاقد صلاحیت "

۲- جمع آوری نقشه ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی و خارجی کشور " و مطلع کردن افراد فاقد صلاحیت از مفاد آن "

برای تحقق جرم موضوع این ماده صرف جمع آوری نقشه ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات، بدون تسلیم آن به افراد فاقد صلاحیت یا مطلع کردن افراد فاقد صلاحیت از مفاد آن کافی نیست " بلکه مرتکب باید آنها را تسلیم افراد فاقد صلاحیت نموده یا افراد فاقد صلاحیت را از مفاد آن مطلع نماید " حال این سوال مطرح میشود که افراد فاقد صلاحیت چه افرادی هستند؟ افراد غیر صالح به طور کلی آمده است و شامل افراد ایرانی و اجنبی میشود ملاک تشخیص افراد صالح از غیر صالح این است که به موجب و مقررات چه کسی صلاحیت اطلاع از سر، تصمیم، سند یا نقشه را دارد همینکه قانون معین کرده که چه کسی صالح است بقیه نسبت به آن سند و سر غیر صالح هستند " اما سوال این است که آیا

به محض تسلیم یا مطلع کردن افراد غیر صالح جرم محقق میشود؟ در ماده ۵۰۱ شرط لازم برای تحقق جرم این است که عمل مرتکب متضمن نوعی جاسوسی باشد به این معنا که مرتکب به عنوان جاسوس عمل نموده و اسناد و تصمیمات را در اختیار اشخاص فاقد صلاحیت قرار داده یا آنها را از مفاد آنها مطلع کرده باشد. بنابراین اگر کسی سند مربوط به موضوع نظامی را که به دست آورده در اختیار وزیر بهداشت قرار دهد چون عملش متضمن نوعی جاسوسی نبوده مشمول ماده نخواهد بود. چرا که بعنوان جاسوس عمل نکرده است.

موضوع جرم:

موضوع جرم این ماده ۴ چیز است که در ۲ بند به توضیح آنها می پردازیم

۱- نقشه ها یا اسناد "قانونگذار دادن اسناد و نقشه ها ی مربوط به سیاست داخلی و خارجی به اشخاص فاقد صلاحیت را جرم دانسته است منظور از نقشه هرگونه نقشه مربوط به استحكامات و انبار مهمات اسلحه خانه ها و اسكله های دولتی و نیروگاهها و پل ها و امثال آن مشمول حکم ماده قرار میگیرد" مراد از سند نیز احکام دستورات و قراردادهای نظامی و اقتصادی و امثال آن است

۲- اسرار و تصمیمات "قانونگذار ما سروتصمیم را تعریف نکرده است و مصادیقی از آن را نیز بیان ننموده با این وصف به نظر میرسد که آن چیزی که از نظر دولت جنبه محرمانه و سری داشته باشد مشمول ماده خواهد بود تصمیمات نیز اعم از تصمیمات شفاهی یا کتبی است"

نقشه ها، اسرار، اسناد و تصمیماتی که مورد نظر قانونگذار است باید جنبه محرمانه داشته و هرکسی نمی تواند به آن دسترسی داشته یا از مفاد آن مطلع باشد این موارد نیز باید مربوط به سیاست داخلی یا خارجی کشور اعم از سیاست اقتصادی یا سیاسی باشد. منظور از سیاست داخلی و خارجی همه آن چیزی است که مربوط به اداره حکومت از بعد داخلی و خارجی است بعضی از حقوقدانان معتقدند که نقشه یا سند یا سروتصمیم باید محتوای سیاسی داشته باشد یا مربوط به سیاست داخلی و خارجی باشد بنابراین

مطلع کردن افراد فاقد صلاحیت از یک سند نظامی یا اقتصادی از مصادیق ماده ۵۰۱ ق.م.ا نیست

مرحوم دکتر سپهوند در توضیح ملاک سیاسی بودن میگویند: ملاک تشخیص سیاسی بودن عملی، حقوق اداری است به این توضیح که اعمال دولت به دو دسته تقسیم میشود

۱- دسته اول اعمال حاکمیت است: آنچه که به اعمال حاکمیت دولت و اداره حکومت مربوط میشود حکومتی است و هر امر حکومتی طبق حقوق اداری و رویه قضایی، سیاسی است

۲- دسته دوم اعمال تصدی است: اموری که شامل خدمات آب و برق، آموزش و پرورش، بهداشت و غیره میشود. مثلاً سندی در وزارت کشور وجود دارد که پخت نان باید از حالت سنتی خارج شود کسی این سند را در اختیار فرد غیر صالح قرار دهد این عمل مشمول ماده ۵۰۱ نمیشود چراکه مربوط به اعمال تصدی حاکمیت است نه اعمال حکومتی اما اگر وزارت کشور بخشنامه ای به استانداران ارسال نماید که اگر شورش شد باید طبق آن عمل شود این سند مربوط به اعمال حاکمیت است و ماهیت سیاسی دارد "در مقابل بعضی از حقوقدانان عقیده دارند که افشای یک تصمیم اقتصادی یا نظامی مهم و محرمانه نیز میتواند از مصادیق ماده ۵۰۱ باشد و نیازی نیست که محتوای آن حتماً سیاسی باشد

مرتکب جرم ونحوه تحصیل موضوعات جرم

عبارت هر کس در ماده دلالت بر این دارد که مرتکب جرم میتواند هر شخصی باشد اعم از زن یا مرد مسلمان، غیر مسلمان ایرانی یا خارجی نحوه تحصیل اسناد و اسرار ونحوه در اختیار قرار دادن آن به افراد فاقد صلاحیت یا مطلع کردن آنها از مفاد اسرار و اسناد تأثیری در بزه ندارد. به عبارتی مهم نیست که مرتکب اسناد و اسرار را بر اساس وظیفه در اختیار داشته باشد یا اینکه از راههای دیگر مانند سرقت و یا فریب و حيله به دست آورده باشد. اگرچه برخی از حقوقدانان معتقدند که این جرم محدود به اشخاصی است که بر حسب سمت یا عنوان یا وظیفه اداری اسناد و اسرار را در اختیار داشته باشند. لکن با توجه به عبارت هر کس در صدر ماده مرتکب جرم میتواند هر شخصی اعم از مامورین و کارمندان دولتی و یا افراد عادی باشد. البته در خصوص نظامیان در ماده ۲۶ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲

مقررات خاص در نظر گرفته شده است فرد نظامی هرگاه اسناد و مدارک مذاکرات تصمیمات یا اطلاعات طبقه بندی شده را در اختیار افراد غیر صالح قرار دهد یا آنها را از مفاد آن مطلع نماید مجازات وی بر اساس نوع طبقه بندی اسناد تعیین شده است به این نحو که اگر اسناد عنوان به کلی سری داشته باشد ۳ تا ۱۵ سال، عنوان سری از ۲ تا ۱۰ سال خیلی محرمانه ۳ ماه تا ۱ سال حبس و محرمانه تنبیه انضباطی خواهد بود" اما در تبصره ۲ همین قانون آمده است که اگر اعمال فوق به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری باشد مرتکب به مجازات شدیدتر محکوم خواهد شد و این سوال مطرح میشود که اگر شخص نظامی اسناد خیلی محرمانه یا محرمانه مربوط به سیاست داخلی را در اختیار افراد فاقد صلاحیت قرار دهد طبق کدام ماده قانونی مجازات خواهد شد؟ در جواب باید گفت که در اینگونه موارد مقررات ماده ۵۰۱ که دارای مجازات شدیدتری نسبت به ماده ۲۶ دارد در مورد فرد نظامی اعمال میشود" البته در صورتی که اسرار نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و یا صنعتی مربوط به نیروهای مسلح را به دشمنان تسلیم نماید یا از مفاد آن آگاه سازد به مجازات محارب محکوم خواهد شد

عنصر معنوی

عنصر معنوی جرم این است که مرتکب باید قصد و اختیار دادن اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت یا قصد مطلع نمودن افراد فاقد صلاحیت از اطلاعات مذکور را داشته باشد و اگر به دلیل سهل انگاری و یا اشتباه موارد مذکور در ماده را در اختیار افراد فاقد صلاحیت قرار داده یا آنان را از مفاد آنها مطلع نماید رکن معنوی جرم متزلزل میباشد. بعبارتی مرتکب از روی علم و عمد مرتکب یکی از اعمال مذکور در ماده شده باشد. منظور از عالما این است که اولاً مرتکب باید بداند آنچه که در اختیار افراد غیر صالح قرار میدهد مدارکی سری و مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور هستند ثانیاً: در صورت علم به سری بودن اسناد بداند که افرادی که اسناد را به آنها میدهد یا آنها را از مفاد اسناد مطلع میکند فاقد صلاحیت هستند..

جاسوسی علیه دولت بیگانه و به نفع دولت بیگانه در قلمرو کشور

عنصر قانونی

عنصر قانونی این جرم ماده ۵۰۲ قانون مجازات اسلامی است. بموجب این ماده ((هرکس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسی شود بنحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به ۱ تا ۵ سال حبس محکوم خواهد شد))

شرایط تحقق جرم

اولاً: عمل جاسوسی ارتباطی با سیاست خارجی و یا داخلی و منافع و مصالح ملی کشور ایران نداشته باشد.

ثانیاً: عمل جاسوسی موجب ورود صدمه به امنیت ملی شود. منظور از صدمه به امنیت ملی این است که عمل جاسوسی موجب ایجاد دشمنی و تیره گی روابط با سایر کشورها شود" در ماده ۶۷ مکرر قانون مجازات عمومی و ماده ۸ قانون تعزیرات سال ۶۲ نفع یا ضرر دولت ایران مطرح نبود و صرف وقوع جاسوسی در ایران مجوز رسیدگی و اعمال مقررات مربوطه بود لکن در ماده ۵۰۲ تحقق جرم منوط به ایراد صدمه به امنیت ملی ایران است.

ثالثاً: برخی عقیده دارند که این جرم از جرایم مطلق است یعنی اینکه نیازی به تحقق نتیجه و ورود ضرر به دولت بیگانه و یا نفع برای کشور دیگر وجود ندارد. اما برخی معتقدند که نفع و ضرری که در ماده به آن اشاره شده است مقید بودن این جرم را میسرساند.

ورود به مواضع ممنوعه به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاعات

عنصر قانونی

این جرم از جرایم علیه امنیت است که در قانون مجازات عمومی سابق در ماده ۶۸ و نیز در ماده ۹ قانون تعزیرات سال ۶۲ سابقه تقنینی دارد و در حال حاضر عنصر قانونی این جرم ماده ۵۰۳ ق.م.ا است که بموجب آن هرگاه کسی به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار نظامی سیاسی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و یا بدون کسب اجازه از مقامات صلاحیتدار در حال نقشه برداری یا تهیه فیلم و یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شود مجرم و قابل تعقیب کیفری است.

عنصر مادی

رکن مادی این جرم "شامل دو قسمت است

قسمت اول - ورود به مواضع مربوطه به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار نظامی یا امنیتی: قانونگذار صرف ورود به مواضع مربوطه به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار نظامی یا امنیتی را جرم دانسته است در حالی که این اعمال در محدوده شروع به جرم است. چگونگی داخل شدن مهم نیست به هر ترتیبی که شخص وارد شود جرم محقق میشود و از این حیث با مواد ۶۸ ق.م.ع و ۹۰ ق.ت متفاوت است چرا که در مواد اخیر نحوه ورود شرط است و مرتکب باید علناً یا متکراً یعنی به صورت ناشناس وارد مواضع مربوطه شود اما در قانون تعزیرات سال ۷۵ این شرط برداشته شده است و مهم داخل شدن به آن مواضع است منظور از مواضع مربوطه محل هایی است که جنبه سیاسی، امنیتی، یا نظامی دارند. مانند پادگانها قرارگاههای نظامی و امنیتی، نهاد ریاست جمهوری و اماکنی از این قبیل.

داخل شدن رکن مادی جرم را تشکیل میدهد اما تشخیص محدوده ورود به مواضع مهم است درچه محدوده ای ما میتوانیم بگوییم که شخص وارد مواضع مربوطه شده است محدوده مکانهای سیاسی نظامی و امنیتی متفاوت است وسعت و محدوده ساختمان اداره اطلاعات بایک پادگان نظامی تفاوت دارد پس ملاک تشخیص چه هست؟ مثلاً فرض کنیم الف به قصد سرقت اسناد ومدارک سری نظامی وارد پادگانی میشود که وسعت آن ۲۰هکتارمیباشد اسناد مورد نظر در داخل اتاقی در قسمت انتهایی پادگان قرارگرفته وشخص برای ورود به آن اتاق باید حداقل ۱۰کیلومتریاده برود، حال در صورتی که شخص به محض ورود به پادگان دستگیرشود آیا رکن مادی جرم یعنی داخل شدن محقق شده است یا موقعی میگوییم جرم محقق شده است که شخص مورد نظر به اتاق محل نگهداری اسناد وارد شود؟ در این مورد دو نظر متفاوت وجود دارد بعضی حقوقدانان معتقدند که عنصر مادی جرم وقتی محقق میشود که شخص به موضع مورد نظر (در مثال فوق محل نگهداری اسناد) داخل شود و اگر داخل پادگان دستگیرشود عمل وی در حد شروع به جرم است چرا که قانونگذار گفته است ((به مواضع مربوطه داخل شود)) و منظور از مواضع مربوطه محلی است که در آنجا اسناد نگهداری میشود نه محدوده ثبتی پادگان نظامی اما نظرد یگراین است که مواضع ناظر محدوده ثبتی نهادهای سیاسی نظامی یا امنیتی است بنابراین در مثال فوق صرف ورود به پادگان جهت سرقت اسناد واسرار برای تحقق جرم کافی است و نیازی نیست مرتکب وارداتاق محل نگهداری اسناد ونقشه ها شود" به نظر میرسد که نظراول با اصول حقوقی واصل تفسیر به نفع متهم سازگاری بیشتری دارد

قسمت دوم" نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکس برداری از مواضع نظامی واماکن ممنوعه " قانونگذار هرگونه عکسبرداری وفیلمبرداری و نقشه کشی از اماکن ممنوعه بدون اجازه مامورین یا مقامات ذیصلاح راجرم تلقی نموده است" البته شرط است که اماکن ممنوعه به وسیله نصب تابلوها یا علائم مخصوصی مشخص ومحدوده آن معین شود" وقوع این جرم محدود به اماکن نظامی نمی باشد وسایر اماکن ممنوعه را نیز شامل می شود. در خصوص اینکه به چه اماکنی اماکن ممنوعه گفته میشود"

برخی حقوقدانان هرمانی را که مقامات ذیصلاح عکسبرداری و یافیلبرداری یا نقشه کشی از آن را ممنوع نمودند شامل میشود و بعضی دیگر مراد از اماکن ممنوعه را مکانهایی میدانند که حاوی اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی باشد. قرار گرفتن این ماده در فصل جرایم علیه امنیت میتواند دلیلی بر این مدعا باشد بنابراین کسی که جلوی ساختمان و کاخ مجلل خود تابلوی عکس گرفتن ممنوع است رانصب کند و کسی از آن محل عکس یادگاری بگیرد مشمول حکم ماده نخواهد بود. علاوه بر آن شرط است که یک مقام ذیصلاح ممنوع بودن عکسبرداری و فیلم گرفتن و نقشه برداری را ممنوع نموده باشد مانند ستاد کل نیروهای مسلح در مورد اماکن نظامی به نظر میرسد که نظردوم به مقصود قانونگذار نزدیکتر باشد. در خصوص قسمت دوم رکن مادی، قانونگذار گفته است که در حین ارتکاب دستگیر شود. حال اگر مرتکب پس از ارتکاب دستگیر شود مشمول ماده میشود؟^{۱۱} نظر برخی از حقوقدانان این است که چون قانونگذار صراحتاً بیان نموده که در حین ارتکاب دستگیر شوند بنابراین شرط است که مرتکب در حین ارتکاب جرم دستگیر شود قید دستگیر شدن در حین ارتکاب جرم دلالت بر آن دارد که ارتکاب جرم مشهود باشد یا بلافاصله پس از ارتکاب جرم دستگیر شود بنابراین اگر مرتکب پس از ارتکاب متواری شود و بعداً دستگیر شود مشمول حکم ماده نخواهد شد ظاهر ماده این را نشان میدهد، فرض کنیم شخصی به اتهام قاچاق تحت تعقیب باشد در بازرسی از منزل وی عکسها و نقشه هایی کشف میشود که از اماکن ممنوعه گرفته شده است در اینجا وی در دفاع از خود میگوید ماده ۵۰۳ به این اشاره دارد که شخص در حال نقشه برداری و عکس برداری یا گرفتن فیلم دستگیر شود در حالی که بنده این عکسها را ۵ سال قبل گرفتم در مقام تفسیر قوانین باید آنها را به طور مضیق تفسیر نمود وقتی که بین در حال عکس گرفتن و فیلم گرفتن و عکس و فیلمی که قبلاً گرفته شده است تفاوتی قایل نشویم دست به تفسیر موسع زدیم که در قوانین کیفری جایگاهی ندارد بنابراین دستگیر شدن در حال انجام اعمال مذکور و مشهود بودن جرم لازمه تحقق جرم است حالا کسی که این اطلاعات را جمع آوری کرده ممکن است عمل وی نوعی جاسوسی تلقی شود و شاید بتوان عمل وی را با مواد دیگری از قانون منطبق دانست. اما نظر دیگر این است که تفسیر منطقی قوانین ایجاب میکند که مرتکب در هر حالت مشمول ماده میشود چه در حین

ارتکاب ویاپس از ارتکاب.

عنصر روانی

رکن روانی جرم "در قسمت اول ماده راجع به ورود به مواضع مربوطه" قصد عام و یا سوء نیت عام مرتکب ورود عمدی به این مواضع است و سوء نیت خاص قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی است. در خصوص گرفتن فیلم و عکس و نقشه بعضی معتقدند قانونگذار وجود سوء نیت خاص برای مرتکب را لازم نمیداند و هرگونه عکس برداری و فیلمبرداری و نقشه برداری را به هر قصدی اعم از اینکه بخواهد آن را در اختیار دشمن قرار دهد و یا به قصد تفریح و یا کنجکاوی که باشد مشمول ماده میدانند

اما نظر دیگر که به نظر میرسد موردنظر قانونگذار ایران باشد هرگاه مرتکب سوء نیتی نداشته باشد و به قصد گرفتن یادگاری و یا تحقیقات علمی مبادرت به اعمال مذکور نماید مشمول حکم ماده قرار نمیگیرد.

تحریک نیروهای رزمنده"

تحریک از مصادیق معاونت در جرم است لکن قانونگذار به لحاظ اهمیت موضوع تحریک نیروهای رزمنده یا افرادی که به نحوی بارزمنده گان همکاری میکنند آن را به عنوان جرم مستقل آورده است

عنصر قانونی

عنصر قانونی این جرم ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی است. قانونگذار در این ماده افراد را به دودسته تقسیم میکند

۱- نیروهای رزمنده" یعنی افرادی که که در جبهه برای عملیات نظامی استقرار دارند

۲- اشخاصی که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند "منظور قانونگذار این است که تحریک کلیه اشخاصی که با نیروهای مسلح در ارتباط بوده و به نحوی در کنار آنها خدمت مینمایند مشمول ماده

میباشد و نیازی نیست که در شاخه نظامی فعالیت داشته باشند" بنابراین تحریک موثر جهادگرانی که در ساختن و یا خاگریز و سنگر باشند و یا کارگران یک شرکت که در حال ساختن پل هستند نیز شامل حکم ماده خواهد بود. هرچند برخی معتقدند "قید وظایف نظامی در ماده دلالت بر این دارد که این ماده در خصوص نظامیان و اشخاصی است که در معیت نظامیان و در اجرای وظایف نظامی آنها، در خدمت آنها هستند" مثلاً جهادگران که سنگر میسازند "ولی آشپز و سایر اشخاصی که با نیروهای رزمنده در وظایف غیر نظامی همکاری میکنند شامل حکم این ماده نمیشوند" نکته قابل ذکر این است که این جرم از جرایم مقید به نتیجه است و اگر اعمال مادی منتهی به نتایج مذکور در ماده یعنی عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی نشود "جرم محقق نمیشود"

عنصر مادی

رکن مادی: تحریک به عصیان، فرار، تسلیم، یا عدم اجرای وظایف نظامی عنصر مادی جرم راتشکیل می دهد ارتکاب جرم باید به نحوی باشد که باعث فرار یا عصیان یا عدم انجام وظایف، گروهی از اشخاصی که در خدمت نیروهای مسلح هستند بشود و اگر تنها روی یک نفر تاثیر بگذارد مشمول حکم ماده نخواهد بود. در مورد عنصر مادی جرم یعنی تحریک آنچه مورد نظر قانونگذار است تحریک موثر است حال آنکه در ذیل ماده ۵۰۴ گفته شده است که اگر تحریک موثر واقع شود به ۲ تا ۱۰ سال و در غیر این صورت به ۶ ماه تا ۳ سال حبس این موضوع چه معنایی دارد؟ به عبارتی چگونه تحریک موثر میتواند موثر واقع نشود؟ دکتر سپهوند تفسیری که از موثر کرده است این است که تحریک موثر در صدر ماده مبنای ذهنی دارد و موثر بودن از نظر محرک است یعنی محرک گمان میکند این اقدام او موثر است اما تحریک در ذیل ماده مبنای عملی دارد که اگر از لحاظ عملی موثر واقع شده مجازات ۲ تا ۱۰ سال و اگر موثر واقع نشد مجازات ۶ ماه تا ۳ سال حبس را خواهد داشت. اما به نظر میرسد که تفسیری که میتوان کرد این است که تحریک موثر در صدر ماده را ناظر به مجازات شقهای اول و دوم بدانیم به این معنا که اگر تحریک موثر واقع شد و موجب فرار یا عصیان یا عدم انجام وظایف شد با توجه به قصد مرتکب یکی از دو مجازات را

در مورد اوعمال میکنیم اما اگر اعمال تحریک موثر واقع نشده باشد و تحریک تاثیری در نیروها نگذارد مجازات مرتکب ۶ ماه تا ۳ سال خواهد بود"

در خصوص مجازات مرتکب قانونگذار چند فرض را آورده است"

۱- در صورتی که قصد مرتکب از تحریک براندازی نظام یا شکست نیروهای خودی باشد محاربه محسوب میشود و مجازات محارب را دارد

۲- تحریک بدون قصد براندازی یا شکست نیروهای خودی" در صورتی که موثر واقع شود حبس از ۲ تا ۱۰ سال را خواهد داشت

۳- تحریک بدون قصد براندازی یا شکست نیروهای خودی" در صورتی که موثر واقع نشود مجازات مرتکب حبس از ۶ ماه تا ۳ سال خواهد بود.

جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده به منظور در اختیار قرار دادن آن به غیر" **عنصر قانونی**

رکن قانونی جرم ماده ۵۰۵ ق.م.ا است. هر کس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع آوری کند چنان چه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود.

عنصر مادی

رکن مادی این جرم جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده اعم از محرمانه، خیلی محرمانه، سری و به کلی سری است. نحوه جمع آوری اطلاعات محدود به موارد خاصی نیست و مرتکب به هر نحوی که این اطلاعات را گردآوری نموده باشد مشمول ماده میباشد" با آوردن عبارت با پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت و یا به هر نحو دیگر" همه راههای جمع آوری اطلاعات را مشمول حکم ماده قرار داده

است. منظور از پوشش استفاده متقلبانه از سمتها و مشاغل غیر واقعی است "وازشوی دیگر مرتکب جرم میتواند از مسولین نظام یا مامورین دولت و یاهر شخص دیگری باشد.

قانونگذار در خصوص مجازات مرتکب بین ۲ امر قائل به تفکیک شده است به این نحو که اگر مرتکب اطلاعات را جمع کند و بخواهد آن را در اختیار دیگری قرار دهد و موفق به این کار شود مجازات ۲ تا ۱۰ سال حبس و اگر اطلاعات را جمع آوری کرده و بخواهد در اختیار دیگری قرار دهد اما موفق نشود از ۱ تا ۵ سال محکوم خواهد شد.

عنصر روانی

از حیث عنصر روانی جرم نیز مرتکب باید دارای سوءنیت عام یعنی اراده، اختیار، علم و اطلاع در انجام فعل مجرمانه را داشته باشد و علاوه بر آن سوءنیت خاص نیز لازم است سوءنیت خاص مرتکب وجود قصد برهم زدن امنیت کشور است.

تخلیه اطلاعاتی

عنصر قانونی

عنصر قانونی این جرم ماده ۵۰۶ ق.م.ا. است. چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده می باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است، در اثر بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می شوند.

عنصر مادی

عنصر مادی این جرم تخلیه اطلاعاتی است که به صورت فعل مثبت مادی و اکثراً در غالب گفتار می باشد. برای تحقق این جرم چند شرط وجود دارد

۱- مرتکبین این جرم مامورین دولتی هستند کسانی که با داشتن یک رابطه استخدامی برای دولت کار میکنند.

۲- مامورین مذکور باید مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده باشند.

۳- مامورین باید آموزش لازم در زمینه حفاظت از اطلاعات را دیده باشند.

۴- مامور باید در اثر بی مبالاتی و یا عدم رعایت اصول حفاظتی تخلیه اطلاعاتی شده باشد. بنابراین اگر در اثر اعمال شکنجه و یابیهوشی تخلیه اطلاعاتی شود مشمول حکم ماده نخواهد بود.

۵- مامور باید توسط دشمن تخلیه اطلاعات شده باشد. هر چند قانونگذار تعریفی از دشمن بعمل نیاورده است لکن بنابه تعریف ماده ۲۵ قانون جرایم نیروهای مسلح منظور از دشمن اشرار، گروهها و دولتهایی که با نظام جمهوری ایران در حال جنگ بوده و یا قصد براندازی را دارند یا اقدامات آنها برضد امنیت ملی است

عنصر روانی

عنصر معنوی این جرم مبتنی بر تفسیر جزایی است که به صورت بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی می باشد. بنابراین این جرم از جرایم غیر عمدی است.

تخفیف یا معافیت از مجازات

تخفیف یا معافیت از مجازات "ماده ۵۰۷ ق.م.ا در خصوص عذر همکاری است. به موجب این ماده هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند، به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.

این ماده از جمله معاذیر قانونی معافیت از مجازات است و به موجب آن اشخاصی می توانند از مجازات معاف شوند که

اولاً: ریاست یا مرکزیتی نداشته باشند. مراد از نداشتن مرکزیت این است که شخص محوریتی در تشکیلات نداشته باشد.

ثانیاً: اعلام قصد جنایت و معرف اشخاص دخیل در فتنه و فساد باید قبل از تعقیب آن شخص باشد. همچنین اگر بعد از تعقیب شخص با مامورین همکاری لازم را بنمایند مشمول حکم ماده خواهد بود.

همکاری با دول متخاصم"

ماده ۵۰۸ ق.م.ا.ه.ر.گونه همکاری توسط شخص یا گروه با دول متخاصم و علیه ایران راجرم میدانند. منظور از دول متخاصم دولتهایی هستند که از نظر سیاسی با ایران خصومت داشته باشند اعم از اینکه در حال جنگ باشد یا غیر جنگ. رابطه خصمانه غیر از جنگ مانند تحریم اقتصادی، قطع رابطه سیاسی. در این ماده قانونگذار نوع همکاری را مشخص نکرده و هرگونه همکاری اعم از همکاری مالی یا فکری یا دادن اطلاعات محرمانه سیاسی نظامی یا اقتصادی راجرم دانسته است

تشدید مجازات در زمان جنگ

تشدید مجازات در زمان جنگ " ماده ۵۰۹ ق.م.ا. منظور از مجازات اشد همان حداکثر مجازات است نکته قابل ذکر در این ماده این است که قانونگذار با تشدید مجازات در صورت ارتکاب جرم در زمان جنگ قاضی را مکلف به اعمال این تشدید نموده است و حق تخفیف مجازات را از او سلب کرده است به عبارتی قاضی نمی تواند در اینگونه جرایم از جهات مخففه استفاده کند.

اخفاء جاسوسان

عنصر قانونی

اخفاء جاسوسان" ماده ۵۱۰ ق.م.ا در خصوص مخفی نمودن جاسوسان یا سبب اخفای جاسوسان میباشد بموجب این ماده ((هرکس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن جاسوسانی را که مامور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور بوده اند شناخته و مخفی کند یا سبب اخفاء آنها بشود به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم میشود)) "در بعضی موارد شخص بدون اینکه جاسوسی کند جاسوسان را مخفی یا سبب اخفای آنان میشود" مثلاً جاسوس را به منزل خود ببرد و پنهان نماید یا کلید خانه ای را به او بدهد و سبب مخفی شدن او شود"

عنصر مادی

از شرایط این جرم این است که مرتکب باید جاسوس را بشناسد اگر کسی جاسوس را مخفی نماید در حالی که علم به جاسوس بودن وی نداشته باشد مشمول این ماده نمیشود. از شرایط دیگر این ماده این است که شخص مخفی شده مامور تفتیش یا وارد کردن صدمه به کشور باشد" بنابراین اگر کسی عضو سازمان جاسوسی بیگانه و وابسته به تشکیلات جاسوسی باشد و نه به قصد ماموریت و تفتیش بلکه برای سفر تفریحی به ایران بیاید و کسی او را مخفی نماید مشمول حکم ماده نمیشود" فرد مخفی شده باید دارای ماموریت خاص باشد در ماده ۵۱۰ آمده است که جاسوس مخفی شده باید مامور تفتیش در ایران یا وارد کردن هرگونه صدمه به کشور بوده باشد. مراد از تفتیش کسب خبر و اطلاعات برای دشمن است و منظور از ورود لطمه به کشور هرگونه لطمه ای اعم از سیاسی، اقتصادی و امنیتی را شامل میشود بنابراین مخفی کردن بمب گذار یا کسی که قصد بمب گذاری دارد و یا مخفی کردن کسی که مبادرت به پخش اسکناسهای جعلی و تخریب اقتصاد کشور را بنماید و یا قصد چنین کاری را داشته باشد مشمول ماده ۵۱۰ میباشد به شرطی که این افراد ماموریت از طرف دشمن داشته باشند بنابراین مخفی کردن و یا سبب اخفا شدن کسانی که از طرف دشمن ماموریتی نداشته و سر خود مبادرت به

وارد کردن لطمه به کشورشوند مشمول این ماده نمیشود"

عنصر معنوی

عنصر معنوی این جرم ازدو جزء تشکیل شده است.

قصد عام یعنی عمد در مخفی کردن یا سبب اخفا شدن و وقصد خاص یا سوء نیت خاص یعنی قصد بر هم زدن امنیت یا کمک به دشمن است بنابراین اگر کسی به قصد گزارش دادن و یا به دلیل دلسوزی و ترحم جاسوسی را مخفی نماید مرتکب جرم اخفاء جاسوسان نشده است. مثلاً پدری که فرزند جاسوس خود را بخاطر ترس از گرفتار شدن و اعدام او وی را مخفی نماید در این فرض مرتکب این جرم نشده است " چون قصد وی کمک به دشمن یا برهم زدن امنیت ملی نبوده است. از ماده ۶ قانون تعزیرات سال ۶۲ که در خصوص این جرم است استنباط نمیشود که ملاحظات عاطفی تاثیر داشته باشد چرا که در آن ماده اخفاء جاسوس حتی اگر به قصد کمک به دشمن نباشد و به مقاصد دیگر و از جمله ملاحظات عاطفی نیز صورت گیرد، جرم محسوب میشود اما در قانون سال ۷۵ ماده ۵۱۰ قصد کمک به دشمن یا برهم زدن امنیت ملی را شرط میداند به همین لحاظ ملاحظات عاطفی تاثیر گذار خواهد بود

معرفی کردن جاسوس به دولتهای خارجی

معرفی کردن جاسوس به دولتهای خارجی "تبصره ماده ۵۱۰ در خصوص کسانی است که افرادی را جهت جاسوسی علیه امنیت کشور شناسایی، جذب و به دول متخاصم معرفی نمایند" هر یک از اعمال فوق باید توسط یک نفر صورت گیرد یعنی شخصی افرادی را شناسایی سپس جذب و بعد از آن به دشمن جهت جاسوسی معرفی نماید صرف شناسایی و یا جذب و یا معرفی کردن کافی نیست شناسایی یعنی یافتن اشخاصی که با توجه به عقاید سیاسی و یا موقعیت اجتماعی دارای زمینه مناسب و استعداد و تمایل کافی برای انجام جاسوسی باشد"

منظور از جذب ایجاد رابطه نزدیک و صمیمانه با افراد و گرفتن قول همکاری از سوی آنان است"

تهدید به بمب گذاری

تهدیده بمب گذاری "هرچند که تهدید یکی از مصادیق معاونت در جرم است اما قانونگذار ایران در ماده ۵۱۱ ق.م.ا آن را به عنوان جرم مستقل و جداگانه آورده است به موجب این ماده ((هرکس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تهدید به بمب گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید یا ادعاء کند که وسایل مزبور بمب گذاری شده است علاوه بر جبران خسارت وارده به دولت و اشخاص به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم میگردد))

موضوع جرم این ماده تهدید به بمب گذاری هواپیما کشتی و وسایل نقلیه عمومی "به نظر میرسد که منظور از وسایل نقلیه عمومی منصرف از هواپیما و کشتی است و وسایل مذکور حتی اگر خصوصی باشند مشمول ماده هستند اما سایر وسایل نقلیه باید عمومی باشد" ایرادی که بر این ماده وجود دارد و آن این است که قانونگذار ذکر یکی از بناها و ساختمانهای و تاسیسات دولتی و... نیاورده است "در حالی که تهدید به بمب گذاری اماکن عمومی میتواند نگرانی بیشتری از تهدید به بمب گذاری وسایل نقلیه در عموم ایجاد کند.

تحریک مردم به جنگ و کشتار

تحریک مردم به جنگ و کشتار "در خصوص سابقه جرم انگاری، این جرم ابتداء در ماده ۷۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ پیش بینی شده بود. اما در آن ماده جرم تحریک و اغوا به جنگ در دو حالت جرم مقید و در یک حالت جرم مطلق بود به این نحو که اگر تحریک و اغوا موجب قتل در برخی مناطق شود مرتکب محکوم به اعدام میشد و اگر تحریک فقط موجب نهب و غارت شود مجازات محرک ۳ تا ۵ سال حبس خواهد بود ولی اگر تحریک موثر واقع نمیشد برای محرک مجازات تبعید پیش بینی شده است در قانون تعزیرات نیز ماده ۱۰ به این جرم اختصاص پیدا کرد اما تفاوتی که با ماده قبل داشت در این بود که تحریک و اغوا به جنگ و کشتار چه موجب قتل شود و چه موجب غارت بشود مرتکب در حکم محارب است در حالی که ماده ۷۰ حسب میزان و تاثیر تحریک ۳ نوع مجازات تعیین نموده بود علاوه بر آن در ماده

۱۰. قصد مرتکب باید برهم زدن امنیت کشور باشد در حالی که در ماده ۷۰ قانون مجازات عمومی چنین شرطی وجود نداشت. با تصویب قانون تعزیرات در سال ۷۵ ماده ۵۱۲ ق.م.ا. به این جرم اختصاص پیدا کرد بموجب این ماده ((هرگاه کسی مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک نماید خواه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به ۱ تا ۵ سال حبس محکوم میشود)) تفاوت این ماده با دو ماده پیشین در این است که در دو ماده قبل جرم مقید به نتیجه یعنی قتل و غارت بود ولی در ماده ۵۱۲ این جرم از جرایم مطلق است یعنی مقید به حصول نتیجه نیست "صرف تحریک کافی است اعم از اینکه کسی بر اثر تحریک مرتکب غارت و کشتار بشود یا نشود"

در خصوص این ماده ذکر ۲ نکته ضروری است

اولاً "وسیله خاصی برای انجام تحریک لازم نیست و ممکن است تحریک با سخن گفتن در مجامع یا انتشار مقاله یا انتشار نشریه یا سخنرانی از طریق رادیو و تلویزیون و به هر نحو دیگر صورت گیرد " ثانیاً "لازم نیست که محرک در محل تحریک حضور فیزیکی داشته باشد ممکن است کسی مقاله ای در خارج از کشور منتشر کند و با انتشار آن مردم را به جنگ و کشتار تحریک نماید یا اینکه تحریک مردم از طریق سخنرانی در شبکه های تلویزیونی بیگانه در خارج کشور صورت گیرد"

عنصر معنوی این جرم "این جرم از جرایم عمدی است و علاوه بر عمد مرتکب در انجام تحریک ، مقصود مرتکب از اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار و برهم زدن امنیت کشور است" تفاوت تحریک به عنوان یکی از مصادیق معاونت با تحریک موضوع این ماده در همین نکته است "ممکن است شخصی اهالی دو شهر یا دو روستا یا دو طایفه را به درگیری و جنگ و کشتار تحریک نمایند و هدف آنها و قصدشان از تحریک و وقوع جنگ استفاده شخصی یا ایجاد دشمنی بین آنهاست در این فرض و در صورت وقوع جنگ و کشتار عمل وی از مصادیق معاونت در جرم است"

اهانت به مقدسات مذهبی "

عنصر قانونی

عنصر قانونی این جرم ماده ۵۱۳ قانون م.ا.است. بموجب این ماده هر کس که به مقدسات اسلام یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه اطهار یا حضرت فاطمه زهرا توهین نماید به ۱ تا ۵ سال حبس محکوم میشود و اگر مشمول حکم ساب النبی باشد مجازاتش اعدام خواهد بود"

منظور از مقدسات اسلام "کلیه مقدسات اسلامی اعم از شیعه و سنی را شامل میشود مثلاً قرآن کریم" مرقد مطهر ائمه اطهار و حضرت زهرا و ذات پروردگار است.

در مورد انبیاء بعضی معتقدند که منظور ۵ پیامبر اولو العظم هستند برخی منظور را ۱۲۴ هزار پیامبر میدانند و بعضی هم عقیده دارند که منظور ۱۰۰ پیامبری است که نام آنها در قرآن آمده است نظر اخیر به نظر میرسد که نظر قانونگذار است"

دشنام دادن به پیامبر "ص" اعدام است توهین ممکن است به گفتار یا نوشتار و یا فعل باشد همه موارد را شامل میشود"

توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری

مطابق ماده ۵۱۴ ق.م.ا. هر کس که به این شخصیتها به هر نحوی از انحاء منظور توهین لفظی یا نوشتاری یا رفتاری توهین کند به ۶ ماه تا ۲ سال محکوم میشود"

سوء قصد به جان رهبر و روسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید

سوء قصد به جان رهبر و روسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید "این جرم در ماده ۵۱۵ ق.م.ا. پیش بینی شده است. منظور از سوء قصد این است که کسی به قصد سلب حیات از شخص معینی اقدامات مادی انجام دهد. یعنی مقصود کشتن فرد معینی است اما محقق نمیشود. برای تحقق این جرم لازم نیست که

سوء قصد به جان مقامات و اشخاص مذکور در ماده به اعتبار سمت و مقام آنها باشد بلکه هرگونه سوء قصدی به هرانگیزه ای حتی دشمنی و عداوت شخصی مشمول ماده می باشد. بنابراین اگر کسی به خاطر اختلاف مالی و تجاری باریس جمهور به او سوء قصد نماید و یا همسریکی از مقامات مذکور در ماده قصد کشتن او را بنماید مشمول ماده میشود

عبارت سوء قصد به جان در ماده ۵۱۵ سوء قصد در ایراد ضرب و جرح را از مشمول ماده خارج می کند و این در صورتی است که ثابت شود متهم صرفاً قصد سوء قصد به ایراد ضرب و جرح دارد. توضیح اینکه عنصر مادی این جرم سوء قصد به جان هریک از اشخاص مذکور در ماده است. بنابراین صرف قصد مجرمانه و اندیشه ارتکاب جرم عنصر مادی این جرم را تشکیل نمی دهد بلکه مرتکب باید از مرحله اندیشه و قصد ارتکاب جرم گذشته، عملیات مادی را انجام داده و دست به عملیات اجرایی بزند و پس از شروع به جرم نتواند قصد خود را به پایان برساند. بپذیرش این نظریه شاید گفته شود "که بین سوء قصد به جان یکی از شخصیت‌های مذکور در ماده و شروع به جرم تعارض وجود دارد" چراکه ما سوء قصد به جان را شروع به قتل میدانیم در حالی که شروع به قتل در ماده ۶۱۳ ق.م.ا.ج.م شناخته شده است به نظر میرسد که در اینجا بحث تعارض نیست بلکه تعدد معنوی است یعنی شخص مرتکب یک فعل با دو عنوان جزایی شده است "شروع به قتل و سوء قصد به جان" در این صورت مجازات جرمی داده میشود که مجازات آن اشد است"

در شناختن رهبر و روسای قوای سه گانه مشکلی وجود ندارد اما مشکل در مورد تشخیص مراجع بزرگ تقلید است به نظر میرسد که این قید عام است و شامل کلیه مراجع بزرگ تقلید شیعه میشود که دارای رساله بوده و تعداد قابل توجهی از شیعیان از آنها تقلید میکنند داشتن تابعیت ایران شرط نیست بنابراین سوء قصد به جان مرجع تقلید تبعه خارجه در خاک ایران نیز مشمول ماده خواهد بود. در خصوص مجازات قانونگذار ملاکی برای شناخت محارب قرار نداده است. به نظر میرسد که اگر مقصود فرد مقابله با حکومت باشد محارب و در غیر این صورت مجازاتش حبس از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.

سوء قصد به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن "رئیس کشور خارجی شخص اول مملکت است که مطابق قانون اساسی آن کشور به عنوان شخص اول مملکت محسوب می شود مانند ملکه پادشاه رئیس جمهور نخست وزیر و..

اما در خصوص نماینده سیاسی اختلاف نظر است که به چه کسی نماینده سیاسی گفته می شود نظر مورد پذیرش اکثر حقوقدانان این است که نماینده سیاسی کسی است که از سوی دولت متبوع خود دارای ماموریت سیاسی در کشوری دیگر است و به عنوان نماینده رسمی آن کشور محسوب میشود و از مصونیت سیاسی برخوردار است بنابراین بازرگانان و نمایندگان فرهنگی را شامل نمی شود. همچنین سوء قصد به جان رئیس سازمان ملل متحد یا نماینده آژانس بین المللی انرژی هسته ای مشمول ماده ۵۱۶ نمیشود چون این افراد نماینده سیاسی کشور خارجی محسوب نمی شوند قانونگذار در ماده ۵۱۶ ق.م.ا رفتار متقابل یا معامله متقابل دولت خارجی با کشور ایران را شرط تحقق جرم دانسته است بدین ترتیب عمل سوء قصد به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی کشور خارجی در صورتی جرم است که در آن کشور سوء قصد به مقامات سیاسی ایران نیز جرم محسوب شود

در خصوص میزان مجازات قانونگذار مجازات رابه ماده ۵۱۵ ق.م.ا.حاله نموده است. در ماده اخیر ۲ مجازات پیش بینی شده است، محاربه و حبس. معلوم نیست قانونگذار کدامیک را مورد نظر قرار داده است و آیا سوء قصد به رئیس کشور خارجی و یا نماینده سیاسی آن میتواند محاربه محسوب شود. از ظاهر ماده چنین برمی آید که چنین امکانی وجود دارد. بحث دیگر این است که قانونگذار اعمال مجازات حبس ۳ تا ۱۰ سال رابه این شرط پذیرفته است که در کشور خارجی همان مجازات یا مجازات بیشتری برای سوء قصد به جان مقامات سیاسی ایران در نظر گرفته شده باشد و اگر مجازات خفیف تری باشد همان مجازات اعمال خواهد شد

در تبصره این ماده نیز آمده است که اگر سوء قصد منتهی به ضرب و جرح و یا قتل شود مطابق قوانین مربوطه عمل خواهد شد. یعنی مرتکب علاوه بر مجازات ماده ۵۱۶ بالحاظ مواد مربوط به قتل به قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد محکوم خواهد شد.

توهین به مقامات سیاسی خارجی

توهین به مقامات سیاسی خارجی "عنصر قانونی این جرم ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی است. توهین ممکن است که به صورت لفظی و با استعمال الفاظ رکیک باشد و ممکن است که به صورت فعل باشد مثلاً با اشارات دست یا انداختن آب دهان و مانند آن.. در ماده ۵۱۷ ق.م.ا توهین به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن کشور جرم محسوب شده است و برای تحقق این جرم شرایطی را بیان نموده است.

۱- توهین باید علنی باشد "یعنی اینکه ارتکاب جرم باید در مرئی و منظر عموم باشد ولی فرقی نمی کند که محل ارتکاب آن محل عمومی مثلاً پارک یا محل خصوصی مثلاً منزل باشد برخی از حقوقدانان معتقدند که اگر توهین در جایی عمومی که مستعد برای حضور شاهد باشد انجام شود هر چند کسی در آن محل نباشد مشمول ماده می شود اما برخی دیگر حضور عده ای بیش از سه نفر در هنگام توهین را شرط میدانند به نظرمی رسد هرگاه توهین به صورت علنی و حتی در حضور یک نفر صورت گیرد مشمول ماده خواهد شد.

۲- شرط معامله متقابل "مطابق ماده عمل مرتکب در صورتی جرم است که در قوانین دولت خارجی که رئیس یا نماینده سیاسی آن در ایران مورد توهین قرار گرفته است توهین به مقامات سیاسی ایران را جرم بدانند و اگر آن دولت توهین به مقامات سیاسی ایران را جرم نماند توهین به رئیس یا نماینده سیاسی آن در ایران نیز جرم نخواهد بود.

۳- لزوم تقاضای دولت خارجی یا نماینده سیاسی آن یا مطالبه مجنی علیه یا ولی او "منظور از ولی در تبصره این ماده ولی دم است که ناظر به ماده ۵۱۶ است وجود این شرط به این معنا است که این جرم از جرایم قابل گذشت است چرا که با استرداد شکایت تعقیب کیفری موقوف می شود البته در خصوص سوء قصد اگر سوء قصد منتهی به قتل و یا جرح شود در این خصوص استرداد شکایت باعث توقف تعقیب نخواهد شد و در هر حال به جنبه عمومی بزه رسیدگی خواهد شد.

تقلب در مسکوکات

تقلب در مسکوکات. قانونگذار ایران مواد ۵۱۸ الی ۵۲۱ از قانون مجازات اسلامی رابه این جرایم اختصاص داده است مسکوکات از لحاظ جنس به دو دسته تقسیم میشوند

۱- مسکوکات از جنس طلا و نقره

۲- مسکوکات از غیر جنس طلا و نقره

قانونگذار تقلب در هر یک از این دو نوع مسکوک را جرم تلقی کرده است. هر چند مجازات آنها متفاوت است. در این مبحث به بررسی تقلب در مسکوکات و جرایم مرتبط با آن میپردازیم.

۱- **تقلب در سکه طلا و نقره** " این جرم در ماده ۵۱۸ ق.م.ا.پ.س. بینی شده است حمایت قانونگذار منحصر و محدود به مسکوکات طلا و نقره داخلی نیست بلکه از مسکوکات طلا و نقره خارجی نیز حمایت نموده است این ماده به ۴ جرم ساختن، وارد کردن، مورد خرید و فروش قرار دادن و ترویج مسکوکات طلا یا نقره تقلبی داخلی و خارجی اختصاص یافته است. برای تحقق این جرم شرایط زیر لازم است

۱- مورد معامله بودن مسکوکات طلا و نقره " منظور از مورد معامله واقع شدن مسکوکات رایج بودن آن نیست بلکه منظور این است که سکه به عنوان یک مسکوک قیمتی در بازار قابل خرید و فروش باشد و به عبارتی رواج نسبی داشته باشد مانند سکه های بهار آزادی یا مسکوکات پهلوی که علیرغم اینکه

مسکوکات رایج مملکت نیستند اما در بازار به عنوان سکه طلاخرد و فروش می شود.

۲- وجود شباهت بین سکه طلاونقره اصل با طلاونقره تقلبی "این شرط از شرایط اساسی تحقق جرم است سکه طلاونقره تقلبی باید به نحوی ساخته شود که شبیه باصل باشد. البته نیازی به وجود شباهت کامل نیست شباهت ظاهری که اشخاص عادی رادرنگاه اول به اشتباه بیندازد و سکه تقلبی رابه جای سکه اصلی بپذیرد کافی است. و نیازی نیست شباهت به نحوی باشد که افراد متخصص مانند عتیقه فروش یا زرگر رابه اشتباه بیندازد. دیوانعالی کشور در یکی از آراء خود میگوید: مقصود از شبیه بودن سکه قلب با اصل این است که سکه قلب طوری ساخته شود که قابل اشتباه کاری ولو در نظر بعضی اشخاص باشد و بر حسب عرف تقلید و شبیه سازی بر آن اطلاق گردد. به عبارتی یک نوع ضابطه نوعی را پذیرفته است.

۳- کاستن مقدار مسکوکات طلاونقره داخلی و خارجی " در قانون ایران کاستن از مسکوکات طلا و نقره داخلی و خارجی نیز جرم شناخته میشود. این بزه در ماده ۵۱۹ ق.م.ا.پیش بینی شده است.

عمل مادی این جرم کاستن از مقدار مسکوکات طلا و نقره ایرانی یا خارجی به وسیله تراشیدن بریدن و امثال آن است مثلاً شخصی با سوراخ کردن سکه طلا و نقره با استفاده از مته الکتریکی پس از برداشتن مقداری از طلا و نقره محل آن را با ماده هم شکل و هموزن پر نماید.

در ماده ۵۱۹ ق.م.ا. علاوه بر مخدوش کردن مسکوکات طلاونقره ترویج و وارد کردن این مسکوکات به کشور نیز جرم میباشد اگر یک نفر مبادرت به وارد کردن و ترویج نمودن این نوع مسکوکات نماید بر اساس قواعد تعدد مادی باوی رفتار خواهد شد.

۲- ساختن شبیه مسکوکات غیر از طلا و نقره داخلی یا خارجی. در ماده ۵۲۰ ق.م.ا. مقنن عمل کسی را که مبادرت به ساختن وارد کردن و یا مورد خرید و فروش قراردادن و یا ترویج شبیه مسکوکات غیر از طلا و نقره داخلی یا خارجی نماید را جرم به شمار آورده است. در این ماده نیز رایج بودن این مسکوکات شرط تحقق جرم میباشد یعنی این مسکوکات باید رواج قانونی داشته باشد. نکته قابل ذکر

این است که کاستن ازمسکوکات غیرطلا و نقره برخلاف کاستن ازمسکوکات طلا و نقره جرم نیست. ماده ۵۲۱ق.م.ا به معاذیرقانونی اشاره نموده است بنابراین، این ماده کسانی که در ارتکاب این جرایم دخالت دارند اگر موجبات کشف جرم و دستگیری متهمین را فراهم بکنند از مجازات معاف میشوند و بنابر ماده ۵۲۲ کلیه اموالی که از طریق جرایم تقلب در مسکوکات تحصیل میشود به نفع دولت ضبط میشوند.

جعل

جعل "در قانون ایران جعل تعریف نشده است بلکه تنها به ذکر مصادیق آن اکتفاء شده است ماده ۵۲۳ق.م.ا معنا و مفهوم جعل و برخی از مصادیق آن را بیان نموده است "با این وصف برخی از حقوقدانان تعاریفی از جعل ارائه نمودند که کاملترین تعریف آن این است که جعل عبارت است از تقلب متقلبانه حقیقت یک سند یا نوشته یا چیز دیگر به یکی از طرق پیش بینی شده در قانون به قصد اضرار به غیر"

موارد جعل

جعل بردونوع است جعل مادی و جعل معنوی

جعل مادی "یعنی اینکه در ظاهر سند یا نوشته و غیر آن خدشه ای وارد شود به نحوی که در مقایسه بین آن و سند اصل اختلافاتی ملاحظه گردد. به عبارتی هرگاه قلب حقیقت به صورت فیزیکی انجام شود و در نوشته آثار و علائم ملموس باقی بگذارد جعل مادی است این نوع جعل به سه صورت انجام میگردد.

انواع جعل مادی

۱- ساختن سند یا نوشته یا مهر یا امضاء دیگری"

ساختن به معنای ایجاد کردن است یعنی مرتکب چیزی را که وجود نداشته به وجود آورده است. به ساختن یک نوشته یا سند اعم از رسمی یا غیررسمی اقدام می نماید مثلاً گذرنامه یا گواهینامه یا وکالتنامه ای را برخلاف واقع درست میکند" یا قولنامه ای برخلاف واقع مینویسد مبنی بر اینکه الف خانه خود را

فروخته است" و از طرف آن را امضاء و مهر میکند.

در خصوص ساختن مهر نیز مرتکب مبادرت به ساختن مهر یا امضاء اشخاص رسمی و غیر رسمی مینماید. در خصوص امضاء هرگاه شخصی خود را به جای دیگری قلمداد کند و امضاء نماید جرم محقق خواهد شد.

اما در خصوص ساختن مهر سوال این است که آیا به صرف ساختن مهر دیگری جرم جعل محقق می شود و یا نیاز است که سازنده مهر از آن استفاده نماید تا جرم محقق شود؟ به نظر میرسد که صرف ساختن مهر دیگری بدون استفاده از آن نیز موجب تحقق جرم می شود. لکن چون در ماده ۵۲۳ ق.م.ا.برای درست کردن مهر مجازاتی تعیین نکرده است بنابراین در صورتی می توان کسی را به ارتکاب این عمل مجازات نمود که مقنن در جای دیگری از قانون برای آن مجازات تعیین نموده باشد مثلاً جعل مهر رهبری... اما برای جعل کردن مهر اشخاص عادی قانونگذار مجازاتی تعیین نکرده است به این لحاظ اینگونه جعلها که در قانون برای آنها مجازاتی تعیین نشده است هر چند جعل محقق شده است لکن وصف جزایی ندارند"

۲- تغییر و تحریف نوشته یا سند" حالت دوم جعل مادی این است که شخصی در سند یا نوشته رسمی یا غیر رسمی که به طور صحیح تنظیم شده است به یکی از طرق زیر تغییر و تحریف نماید" راههای تغییر و تحریف در ماده ۵۲۳ آمده است که عبارتند از

۱-۲- خراشیدن و تراشیدن" خراشیدن یعنی از بین بردن و محو کردن جزئی از نوشته است" مثلاً در عقد بیع شخصی بخواهد نام خریدار را از حسین به حسن تبدیل کند به همین لحاظ با پاک کردن حرف (ی) نام حسین را به حسن تبدیل مینماید.

تراشیدن" به معنای محو کردن کلمات و ارقام از اسناد رسمی و غیر رسمی است. مثلاً یکی از وراث نام یکی از ورثه را با وسیله ای مانند چاقو، شیشه شکسته و مانند آن از وصیت نامه محو کند"

۲-۲- قلم بردن "در قلم بردن چیزی به متن نوشته یا سند اضافه نمیشود. بلکه مرتکب در کل یا جزئی از نوشته قلم برده و تغییراتی در آن ایجاد میکند. مانند اینکه با تغییر حرف ر به دال امیری را به امیدی تبدیل نماید.

۲-۳- الحاق "یعنی اضافه کردن کلمات حروف و ارقام به متن اصلی نوشته ها و اسناد است. مثلاً چکی به مبلغ ۱۰ میلیون تومان صادر شده است کسی عدد را به ۹ تغییر دهد یا اینکه چکی در وجه آقای کریمی صادر شود شخصی آن را به کریمی راد تبدیل کند در این مثالها جعل صورت گرفته است.

۲-۴- محو یا اثبات یا سیاه کردن "منظور از محو، پاک نمودن کلمه یا کلماتی با وسایل شیمیایی و نظایر آن به غیر از تراشیدن و خراشیدن است تفاوت جعل از طریق محو کردن با تراشیدن و خراشیدن در وسیله ارتکاب جرم است. محو کردن با استفاده وسایل شیمیایی مانند غلط گیر، رنگ و مانند آن است. اما تراشیدن و خراشیدن با ابزارهای نوک تیز و برنده صورت میگیرد.

جعل از طریق سیاه نمودن به این معناست که کسی با ماده رنگی به گونه ای کلمه یا نوشته را بپوشاند که شناخت آن کلمه یا کلمات امکان پذیر نباشد مثلاً مرتکب با ریختن یک قطره مرکب روی اسم رضا در وصیت نامه آن را ناخوانا میکند.

اثبات به معنی از بین بردن علامت بطلان در اسناد است. یعنی کسی به امر باطلی اعتبار دهد. مثلاً مهر فوت شد روی شناسنامه یا باطل شد در گذرنامه را پاک کند

۲-۵- تقدیم یا تاخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی آن " در این نوع جعل مرتکب پس از تنظیم تاریخ آن را به تاریخ قبل یا بعد تغییر دهد. مثلاً تاریخ تنظیم مبیعه نامه ای ۲۰-۲-۹۲ باشد اما در این تاریخ اموال فروشنده به حکم دادگاه توقیف شده باشد به این دلیل تاریخ تنظیم مبیعه نامه را به ۵ سال قبل تغییر میدهند. اگر این تغییر در تاریخ پس از تنظیم سند صورت گیرد جعل مادی است و اگر در هنگام تنظیم سند باشد جعل معنوی است که بعداً توضیح خواهیم داد.

۲-۶-الصاق نوشته ای به نوشته دیگر "مثلاً الف وکالتنامه ای جهت اخذ وام و به رهن گذاشتن خانه خود در بانک به ب بدهد.شخص ب وکالتنامه دیگری که الف آن را به ج جهت نقل وانتقال کلیه املاک خود داده است به طریقی تحصیل نماید.و پس از جدا کردن سربرگ و ذیل وکالتنامه آن را به وکالتنامه خود وصل نماید.شیوه ضمیمه کردن مهم نیست و میتواند با چسباندن و یا منگنه زدن صورت گیرد.اماالصاق باید به صورتی باشد که عبارات و کلمات طوری به هم مرتبط و هماهنگ باشند که تشخیص دو سند به آسانی امکان پذیر نیست.

۳-استفاده از مهر دیگری بدون مجوز قانونی "در این حالت از جعل شخص بدون اینکه مهر دیگری را بسازد و یا اینکه تغییری صورت دهد از مهر واقعی متعلق به دیگری بدون اجازه وی استفاده نموده و در یک نوشته یا سند که قابل اضرار به غیر دارد استفاده مینماید.مثلاً کسی نامه آزادی متهمی که بدستور دادگاه بازداشت است را نوشته و بدون اجازه از مهر قاضی دادگاه استفاده نموده ذیل آن را مهر کند. شرط جرم بودن در استفاده از مهر دیگری امکان به اشتباه انداختن و فریب اشخاص است در مثال فوق اگر مرتکب به جای استفاده از مهر دادگاه از مهر مغازه یا از مهر شهردار استفاده میکرده مرتکب جعل نشده است.چرا که شرط به اشتباه افتادن وجود ندارد.

شرایط تحقق جعل مادی

"برای تحقق جعل چند شرط لازم است"

۱-موضوع جعل باید نوشته یا سند یا چیزهایی باشد که قانونگذار بیان نموده است.مثلاً مهر یا علامت اسکناس و...متداولترین نوع جعل جعل در نوشته و سند است.این دو رابطه عام و خاص دارند یعنی هر سندی نوشته است اما هر نوشته ای سند نیست. سند دلیل اثبات یا نفی امری است.هرگاه نوشته ای چنین ارزشی راداشته باشد سند، و هرگاه فاقد چنین ارزشی باشد نوشته ای معمولی که سند بر آن اطلاق

نمیشود درجعل نوشته این سوال مطرح میشود که جعل هرنوشته ای که سند نمیشودجرم است ؟
بردو نوع سندعادی وسند رسمی قانونگذارجعل راجرم دانسته است

۲- جعل باید در چیزی باشد که خود آن جعلی و تقلبی نبوده و دارای اعتبار و قابلیت استناد باشد " یکی از شرایط جعل اصلی بودن نوشته یا سند یا یکی از چیزهایی است که در قانون به آن اشاره شده است بنابراین اگر کسی تغییراتی در مندرجات سند مجعول بنماید و یا اینکه در تصویر فتوکپی شناسنامه یا مدرک تحصیلی تغییری بنماید که اگر آن تغییرات در اصل آن صورت میگیرد جعل محسوب میشود، مرتکب بزه جعل نشده است مگر اینکه فتوکپی برابر با اصل شده باشد که در این صورت ایجاد تغییرات و تحریف در آن جعل میباشد. همچنین جعل در گذرنامه یا گواهینامه ای که از اعتبار افتاد باشد مصداق جعل ندارد " مگر اینکه جعل طوری باشد که به آن اعتبار بدهد " مثلاً مهر باطل شده را روی گواهینامه پاک کنند " در این صورت جعل است "

۳- امکان به اشتباه انداختن اشخاص متعارف وجود داشته باشد. بحث مورد اختلاف حقوقدانان در همین نکته است که آیا لازم است که بین نوشته و مهر و امضاء جعلی با اصل شباهتی وجود داشته باشد ؟ در قانون ماصراحتی در این خصوص وجود ندارد رویه قضایی نیز نظر واحد و ثابتی را نپذیرفته است. اما حقوقدانان نظریات متفاوتی دارند.

۳-۱- نظر اول این است که وجود شباهت بین نوشته مهر و امضاء لازمه تحقق جعل است. وقتی کسی مهر یا امضاء رئیس جمهور را جعل میکند باید بین مهر و امضاء جعلی و اصلی شباهتی وجود داشته باشد بر مبنای این نظر اگر شباهتی وجود نداشته باشد جعل محقق نمیشود استدلال این گروه این است که متبادر به ذهن از ساختن شبیه سازی است وقتی میگویند کسی مهر محکمه را جعل کرده یعنی اینکه مهر اصلی را مدل قرار داده و از روی آن ساخته است.

پس شبیه سازی و شبیه بودن شرط است.

۲-۳- بر مبنای نظر دیگر صرف انتساب کافی است و نیازی به شبیه بودن بین جعل واصل نیست. یعنی همین که کسی امضاء قاضی دادگاه را زیر نامه آزادی متهم جعل کند یا امضاء رئیس جمهور را ذیل نامه ای خطاب به بانک جهت اعطاء وام و تسریع در پرداخت آن بزند مرتکب جعل شده است اعم از اینکه آن امضاها با اصل امضاء قاضی دادگاه و رئیس جمهور شبیه هم باشند یا خیر. این دسته میگویند در تمام مقررات کیفری مربوط به جعل قانونگذار شبیه بودن را از شرایط جعل ندانسته در حالی که در مقررات مربوط به تقلب در مسکوکات قانونگذار شبیه بودن را شرط دانسته است

به نظر میرسد که نظریه اخیر منطبق با قانون باشد اینکه ما میگوییم شبیه سازی شرط است خیلی از افراد مملکت امضاء مسولین مملکتی و قضات دادگاه را تاکنون ندیده اند. نمیتوانیم کسی را که نامه بازپرسی و امضاء بازپرس را جعل کرده و با استفاده از آن متهم به قتل را آزاد نموده به صرف شبیه نبودن از مجازات جعل و استفاده از سند مجعول مبری کنیم. در پرونده ای دوفنر به اتهام محاربه و فساد فی الارض به زندان معرفی میشوند. از آنجا که این دوفنر مربوط به گروه خاصی بودند. نامه آزادی آنها در فرمهای دادگاه توسط دوستانشان نوشته میشود. مهر بازپرسی دایره ای است آنها مهر مربعی درست میکنند. امضاء بازپرس که هیچ شباهتی با امضاء اصلی او ندارد زیر آن میزنند. و با استفاده از آن یکی از متهمین را آزاد میکنند و اما متهم دیگر که در زندان دیگری بوده بواسطه دقت و کنجکاوی کارمند زندان از آزادی او جلوگیری و پس از استعمال، جعلی بودن مهر و امضاء مشخص میشود. مطمئناً هر چند که شباهتی بین امضاء و مهر اصلی با جعلی وجود ندارد ولی آیامبری کردن مرتکب با عدالت و لزوم حفظ نظم و آسایش عمومی همسازگاری دارد؟ حقوق جزاء ضامن حقوق و نظم عمومی است و عدم مجازات کردن چنین اشخاصی باعث تجری دیگران میشود.

شبهه سازی بسیار مهم است اگر قائل به وجود آن باشیم نیاز به کارشناسی و تشخیص هویت و غیره هستیم اما اگر معتقد به آن نباشیم نیازی به این اقدامات و اثبات شباهت یا عدم آن نیست.

به نظر میرسد هرگاه جعل به نحوی باشد که امکان به اشتباه انداختن طرف مقابل وجود داشته باشد جعل محقق میشود اما هرگاه این امکان وجود نداشته باشد و تفاوت‌های اساسی بین جعل و اصل وجود داشته باشد. مثلاً مهر شهرداری یا بغالی ذیل نامه رئیس جمهور یا نامه آزادی زندانی و یا اثر انگشت قاضی یا رئیس جمهور ذیل نامه آنها" در اینگونه موارد جعل صادق نیست چرا که هر انسان متعارفی جعلی بودن این راتشخیص میدهد. با توجه به این اختلافات هر دو دسته در خصوص اسکناس شرط شبهه سازی را

۴- شرط وجود ضرر "یکی از شرایط جعل ورود ضرر است اما مقصود از آن ضرر بالفعل نیست. بلکه ضرر بالقوه یا همان احتمال ورود ضرر کافیست. مثلاً چکی که مبلغ آن ۱۵ میلیون ریال باشد به ۲۵ میلیون ریال تغییر داده شود. منظور از ضرر اعم از ضرر مادی یا معنوی یا اجتماعی است. مراد از ضرر مادی ضرری است که موجب ایجاد ضرر در اموال و دارایی انسان میشود. مثلاً جعل یک سند که موجب ایجاد یک تعهد برای شخص منتسب الیه میشود.

ضرر معنوی

ضرر معنوی نیز ضرری است که به شرافت یا اعتبار و موقعیت اجتماعی دیگری صدمه وارد آورد. مثلاً نامه ای از طرف یک مقام رسمی جعل شود که در آن به اعتبار یکی از مسوولین و حیثیت او خدشه وارد آورد.

منظور از ضرر اجتماعی ورود ضرر به جامعه است مثلاً جعل شناسنامه یا گواهینامه یا جعل در مدرک تحصیلی که باعث ورود ضرر به اعتبار و شخصیت دانشگاه و جامعه است.

جعل معنوی یا جعل مفادی

جعل معنوی یا جعل مفادی "در این نوع جعل مرتکب، مطالب منتسب به دیگران را تحریف و تغییر مینماید مثلاً سردفتر اسناد رسمی موقع تنظیم سند معامله بر خلاف اظهارات فروشنده که بیان کرده ثمن معامله را نگرفته بنویسد که ثمن معامله توسط فروشنده فی المجلس پرداخت گردید." عنصر قانونی این جرم ماده ۵۳۴ ق.م.ا.ست. برای تحقق این جرم علاوه بر شرایط اساسی جعل شرایطی لازم است

شرایط جعل معنوی

۱- تغییر و تحریف در حین نوشتن تقریرات صورت گیرد و اگر کسی بعد از نوشتن مبادرت به تغییر اظهارات طرفین یا یکی از آنها مثلاً فروشنده در مثال فوق گردد جعل معنوی خواهد بود.

۲- مامور برای آنچه که انجام میدهد صلاحیت داشته باشد مثلاً متهم در دفاعیات خود بگوید اتهام راقبول ندارم اما قاضی یا منشی دادگاه بنویسد قبول دارم

۳- تغییر در اثر اشتباه و یا سهوی نباشد بلکه مرتکب باید با سوءنیت و با علم به اینکه آنچه مینویسد برخلاف واقع است مطالب منتسب به دیگران را تغییر یا تحریف نماید.

عنصر معنوی جعل

عنصر معنوی جعل "رکن معنوی شامل عمدی و ارادی بودن اقدامات انجام شده میباشد" بنابراین اگر کسی اجبار به جعل شود و بدون داشتن اراده سند و یا نوشته ای را جعل نماید به لحاظ تزلزل رکن معنوی مجازات نخواهد شد. عنصر روانی جعل از دو جزء تشکیل شده است سوءنیت عام یعنی قصد ساختن یا تغییر دادن نوشته و سند و سایر موارد مذکور در قانون "یعنی مرتکب قصد انجام فعل را داشته باشد در اثر بیهوشی یا در حال خواب جعل نکرده باشد. فقدان قصد و اراده ارتکاب فعل موجب عدم تحقق جرم است جزء دوم سوءنیت خاص یا قصد خاص که عبارت است از قصد ایراد ضرر اعم از مادی معنوی یا اجتماعی به غیر است اما قصد انتفاع جاعل ملاک نیست.

استفاده از اسناد مجعول "منظور از استفاده از اسناد مجعول از استفاده عملی از آن نیست بلکه صرف ارائه دادن و تسلیم آن به منظور استفاده کافی است. مثلاً هرگاه راننده ای گواهینامه مجعول را به مامورین پلیس راهنمایی نشان دهد و یا شخصی چک مجعول را به بانک ارائه نماید نیازی به تحقق نتیجه و پذیرفتن گواهینامه بعنوان گواهینامه اصلی و یا وصول چک نیست بلکه حتی اگر مامور پلیس راهنمایی متوجه جعلی بودن گواهینامه و یا کارمند بانک متوجه جعلی بودن چک بشود جرم سوءاستفاده از جعل واقع شده است. قانونگذار ایران در ماده ۵۳۵ ق.م.ا به صراحت استفاده کننده از سند مجعول را جرم دانسته است. شرط جرم دانستن این عمل علم و اطلاع استفاده کننده از جعلی بودن شی مجعول است.

نکته مهم در خصوص استفاده از سند مجعول توسط جاعل است و اینکه اگر کسی سندی را جعل و از آن استفاده نماید آیا مرتکب یک جرم یا دو جرم شده است؟ در حقوق ایران دیوانعالی کشور به لحاظ وجوه اختلافاتی در خصوص سوال فوق و صدور آراء متفاوت در این خصوص در رای وحدت رویه چنین نظر داده است که جعل و استفاده از سند مجعول دو جرم جداگانه محسوب میشوند هرچند که استفاده کننده خود جاعل باشد.

مصادیق جعل در قوانین ایران

۱- جعل در اسناد رسمی

۱-۱ جعل در اسناد رسمی توسط کارمندان و مسئولین دولت. هرگاه کارمند یا مسول دولت در حین اجرای وظیفه خود مرتکب جعل و تزویر در اسناد رسمی شود مشمول حکم ماده ۵۳۲ ق.م.ا خواهد شد.

در خصوص این بزه فرقی نمیکند که کارمند در ساعات اداری یا غیر اداری مرتکب جعل و تزویر شود. اما شرط اساسی در ارتکاب این بزه این است که جعل باید در نوشته یا سندی صورت گیرد که تنظیم آن به حکم قانون از وظایف رسمی کارمند بوده باشد بنابراین اگر کارمند دولتی در اسناد و نوشته ها و احکام و تقریراتی که تنظیم و دخالت در آنها از وظایف رسمی و اداری او نمی باشد جعل و تزویر نماید از شمول این ماده خارج است. و عمل وی باماده ۵۳۳ ق.م.ا منطبق است "مثلاً کارمند اداره دارایی که

ممیز مالیاتی است اوراق مالیاتی را به منزل میبرد" تا کار آنها را در منزل انجام دهد" همسرش که کارمند همان اداره است لکن در قسمت دیگری کار میکند" بدون اطلاع شوهرش در اوراق مالیاتی دست کاری وجعل مینماید در این فرض هر چند که مرتکب کارمند دولت میباشد لکن چون در حین اجرای وظیفه نبوده و مربوط به وظیفه وی نمیشد لذا از شمول ماده ۵۳۲ ق.م.ا. خارج است لکن اگر خود ممیز مالیاتی مرتکب جعل میشد هر چند در خارج از وقت اداری بوده ولی از آنجا که مربوط به وظیفه خود و در حین اجرای وظیفه بوده مشمول ماده مذکور میشد"

۱-۲ جعل در اسناد رسمی توسط افراد عادی" حکم این نوع جعل در ماده ۵۳۳ ق.م.ا. آمده است اگر افرادی که کارمند یا مسئول دولتی نیستند مرتکب جعل موضوع ماده ۵۳۲ ق.م.ا. شوند به ۶ ماه تا ۳ سال حبس و ۳ تا ۱۸ میلیون و جبران خسارت محکوم خواهند شد.

۲- جعل در اسناد عادی" هر سندی که از تعریف اسناد رسمی موضوع مواد ۱۲۸۷ و ۱۲۹۱ ق.م.ا. خارج باشد سند عادی است. حکم جعل در این نوع اسناد در ماده ۵۳۶ ق.م.ا. آمده است

۳- جعل در احکام مقامات عالی کشوری" این نوع جعل در ماده ۵۲۴ ق.م.ا. پیش بینی شده است" نکته قابل ذکر در این ماده این است که شرط تحقق بزه جعل موارد مذکور در ماده باید به اعتبار مقام و منصب اشخاص مذکور در ماده صورت گیرد" و هرگاه که احکام و دستخط مقام رهبری یا قوای سه گانه جنبه شخصی داشته باشد مشمول حکم این ماده نخواهد بود"

۴- جعل مدرک تحصیلی یا استفاده از مدرک مجعول" این جرم در ماده ۵۲۷ ق.م.ا. پیش بینی شده است" هر چند که جعل مدرک تحصیلی اعم از اینکه توسط کارمند دولت یا غیر دولتی در مواد ۵۳۲ و ۵۳۳ آمده است و جعل مدرک تحصیلی میتواند مشمول مقررات آن مواد باشد با این وصف قانونگذار به لحاظ اهمیت موضوع ماده جداگانه ای را برای جعل مدارک تحصیلی یا استفاده از این مدارک اختصاص داده است در قسمت اخیر ماده آمده است که آنچه مرتکب کارمند دولت باشد به

حداکثر مجازات محکوم میشود" اما سوال این است که صرف کارمند بودن کفایت یا کارمند باید از سمت کارمند بودن خودش استفاده کرده باشد و نظر در این خصوص وجود دارد

نظر اول این است که صرف کارمند بودن کافی است و نیازی نیست که کارمند از کارمند بودن خود سوءاستفاده کرده باشد"

نظر دوم که با اصول حقوقی و فلسفه تشدیدسازی دارد این است که کارمند باید از مقام و منصب خود در جهت جعل مدارک یا استفاده از آنها سوءاستفاده کرده باشد" مثلاً اگر کارمند دارای مبادرت به جعل مدرک دانشگاهی شود در حالی که سوءاستفاده ای از منصب خود نکرده باشد دلیلی برای تشدید مجازات وی وجود ندارد"

۵- عکسبرداری از اسناد و مدارک" این جرم در ماده ۵۳۷ پیش بینی شده است" در این ماده کسی که از مدارک رسمی یا عادی مثل گواهینامه شناسنامه گذرنامه عکس تهیه کند یا از عکس آنها استفاده کند عمل وی تحت شرایطی جرم است شرط تحقق جرم این است که عکس تهیه شده اصل به نظر برسد یعنی شبیه مدرک اصلی است مرجع تشخیص مشابه بودن قاضی است که بر اساس قضاوت عرف شباهت را احراز کند و مبنای قضاوت ضابطه نوعی است

در صورت شبیه بودن علامتی برای تشخیص عکس بودن روی آن وجود نداشته باشد " یعنی ممهور به مهر یا علامتی نباشد که نشان دهد عکس است

۶- تصدیق خلاف واقع" این جرم در ماده ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰ پیش بینی شده است ماده ۵۳۸ در خصوص جعل گواهی پزشکی است

موفق باشید

